

سید مهدی غروی



ارشوشترا آبادان

... تاریخ نشان میدهد که چگونه
ملل عالم در نتیجه استفاده صحیح از آب
و خاک کامران و سعادتمند شده‌اند و همچنین
تاریخ نشان میدهد که چگونه مللی که
نتوانسته‌اند بطور صحیح از آب و خاک
استفاده کنند سر انجام محو و مضمحل
گردیده‌اند .

قسمتی از گزارش مهندس الیور انگلیسی

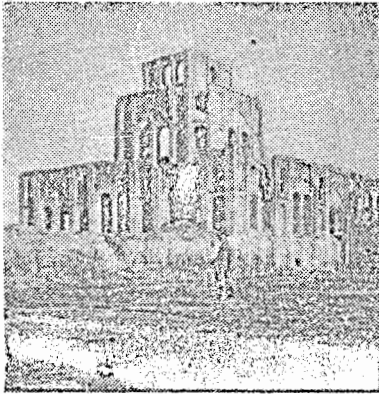


شرح کلیشه های روی جلد

بالا : قلعه سلاسل درشوشتر

پائین : منظره هوایی بندر آبادان

بها ده ریال



ارسطو شهرت را آبادان



... تاریخ نشان میدهد که چگونه
ملل عالم در نتیجه استفاده صحیح از آب
و خاک کامران و سعادتمند شده اند و همچنین
تاریخ نشان میدهد که چگونه مللی که
نتوانسته اند بطور صحیح از آب و خاک
استفاده کنند سر انجام محو و مضمحل
گردیده اند .

قسمتی از گزارش مهندس الیویر انگلیسی

از شوشتر تا آبادان

هر سال هنگام بهار هزاران نفر برای گردش به خوزستان مسافرت می کنند و مقصد نهائی اکثریت قریب باتفاق این عده شهر آبادان است

آبادان از جنوبی ترین شهرهای خوزستان و در کنار شط العرب قرار دارد در صورتی که شوشر از شمالی ترین شهرهای خوزستان بوده و تقریباً در پای کوههای بختیاری ایجاد شده متأسفانه از تمام این عده که برای گردش بخوزستان می آیند حتی يك اقلیت بسیار ناچیز هم بتماشای شوشتر نمی روند در حالی که این شهر نیز بنوبه خود دیدنی و تماشائی است.

آبادان مرکز بزرگ قدرت صنعت جدید است ولی شوشتر یادگاری است از عظمت گذشته ملت ایران

درست است که اگر کسی در فصل بهار از شمال تاجنوب خوزستان مسافرت کند بعدی صفا و طراوت می بیند که غرق حیرت می شود ولی اگر بجای بهار پائیز این مسافرت انجام یابد انسان جز بیابان وسیع و سراسر سوخته ای نخواهد دید و هنگامی که ساعتها در انتظار گذشت و انسان مناظری دلخراش و تنگین از فقر و بدبختی و خرابی دید به آبادان بزرگ میرسد ... آری در انتهای خوزستان خراب آبادان آباد بوجود آمده است.

ولی بشهادت تاریخ و طبیعت خوزستان روزی آباد ترین نواحی آسیای غربی بوده است و چهار رودخانه پربرکت کرخه، کارون، آبدز و جراحی سراسر و بالااقل قسمت اعظم این ناحیه حاصلخیز را مشروب می ساخت

شما بهر يك از نواحی قدیمی خوزستان بروید آثار متعددی از سدها، مخازن آب، مزارع بزرگ و شهرهای روستائی خواهید دید که فعلاً ساکنینش با فقر و بدبختی عجیبی سروکار دارند و روز بروز بر عده مهاجرین این نواحی که بسوی شهرهای نفتی مسافرت می کنند افزوده می شود و اگر مدتی باین وضع سیری شود باید نام این آبادیها را فقط در تواریخ جستجو کرد ...

نگارنده که چندین سال است در خوزستان زندگی می کنم بتماشای اغلب این نواحی متروک رفته ام در حالی که در آباد ترین و بزرگترین شهرهای خوزستان یعنی آبادان زندگی می کنم.

در دو قسمت مختلف این رساله درباره این مطالب بحث شده. شوشتر و تأسیسات آبیاریش باضافه مختصری از گذشته آن بنظر شما خواهد رسید و خواهید دید که چگونه ما که در دوره ماشین و برق زندگی می کنیم نتوانسته ایم چیزی استفاده ای از تأسیسات مفصل آن مرکز بزرگ کشاورزی نکنیم و حتی قادر نبوده ایم که جلو خرابی آنها را بگیریم.

و در قسمت دیگر از چیزی بحث شده که در دوره اخیر باریگر نام خوزستان را بسر زبان ها انداخت و کم و بیش تغییراتی در خوزستان داد، بدین مناسبت بود که باین مجموعه نام (از شوشتر تا آبادان) داده شد و این اسم مرادف و مشابه است با (از خرابی تا آبادی) و یا بهتر بگوئیم (از گذشته تا حال و آینده) و بالاخره (از ما تا دیگران) .

لازم است تذکر داده شود که این مختصر خالی از عیب و نقص نیست بخصوص که فقط بمنظور انضمام بسالنامه آبادان و در یک مدت کوتاه نوشته شده و امید است که خوانندگان عزیز در صورت مطالعه نواقص آنرا بما تذکر دهند تا بعداً این اشتباهات تکرار نشود زیرا نگارنده در نظر دارد که در صورت امکان مجموعه مطالعات و مشاهدات خود را درباره خوزستان در کتاب جامعی بنام « خوزستان یا سر زمین طلائفی » در دسترس ارباب مطالعه قرار دهد .

اینک دو قسمت مورد بحث :

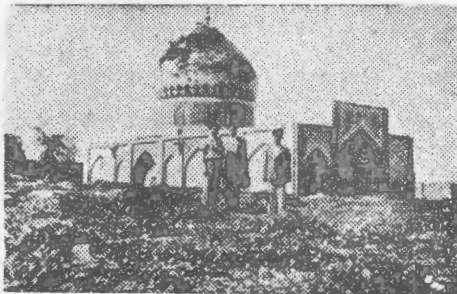
۱ - نوز ۱۳۲۸ در شوشتر

۲ - نفت یا گرانبهاترین ثروت ملی ما

مهدی غروی

نوروز ۱۳۲۸ در

شوشتر



منظره‌ای از شوشتر در روی
گنبد امامزاده علف سبز شده
و لك لك منزل کرده است

« هر چه بشهر نزدیک‌تر میشدیم آثار
تمدن و عظمت سابق و علائم ویرانی و
« خرابی‌های تازه زیادتر بود یل‌های
« خراب سدهای درهم شکسته جویهای
« خشک انبارهای بی‌آب چند درخت خرما
« و مقدار زیادی درخت سدر بجای آن‌ها
« باغ‌ها و مزارع برجای مانده بود،
« گنبد امامزاده عبدالله هم با مناره‌ها
« و گلدسته‌های مطلق و نیم‌خراب منظره
« مهیجی باین ویرانه‌ها میداد و از همه
« بدتر برج‌های بلندی در اطراف شهر
« ساخته‌اند که مانند نقاط مجاورتر کن
« علامت ناامنی و راهزنی قتل و غارت
« حتی در نزدیکی شهر می‌باشد
لرد کرزن

از هنگام ورود بخوزستان یکی از آرزوهای من مسافرت و تماشای شهر قدیمی
شوشتر بود در سال اول و دوم و سوم موفقیتی درین باره نصیبم نشد ولی در تعطیلات نوروز
چهارمین سالی که در خوزستان بودم با اتفاق همکار عزیزم آقای علوی تصمیم گرفتیم
که از شوشتر دیدن کنیم از یثرو حوالی عصر آخرین روز اسفند ۱۳۲۷ پس از مدتی
جستجو موفق شدیم در اهواز حمل حرکت اتومبیل‌های شوشتر را پیدا کنیم و با وجود
اینکه دوستان اهواز ما را از اینکار منع میکردند عازم معروفترین شهر خوزستان شدیم
جاده شوشتر همان جاده مسجد سلیمان است که توسط شرکت ساخته و نگهداری
میشود فقط سه فرسخ آخر آن جاده اختصاصی است :

کارون در دست چپ ما واقع شده بود و چون درین نواحی پیچ و خمهای بزرگ دارد
گاهی از جاده دور و زمانی بدان نزدیک میشد
اولین آبادی ده بزرگ و بس است که در کنار کارون ساخته شده و قسمت بزرگی از نواحی
اطراف آن چه بوسائلی مقدّماتی و چه بوسیله تلجه آبیاری و کشت میشود، سرپرسی سایکس
که در اوایل قرن بیستم ازین نواحی عبور کرده عقیده دارد که مردم و یس تابع شیخ
کوچکی بوده و از اروپائیها فوق العاده نفرت دارند ۱.

از اینجا يك راه بطرف سلیمه ممتد میشود که در سابق تا بختیاری میرفته است و
و یکی از راههای خوزستان بختیاری بوده و فعلا به نواحی نفت خیز هفت گل و نفت



سفید میرسد و در امتداد لوله های نفت
کشیده شده است ، از ویس باهواز ۲۵
کیلومتر است. از ویس جاده کاملاً بطرف
شمال ممتد شده است و در امتداد رود
کارون است که دیگر ولوگردی نمیکند
و پس از ۱۲ کیلومتر به ملاثانی میرسد .
در ملاثانی که از مراکز تلمبه زنی شرکت
است بدو قسمت میشود .

ملاثانی در جنوب شرقی بندگیر ساخته
شده و آبادی قدیم عسکر مکرّم که
ایرانیان بدان لشکر مکرّم میگفته اند
در همین نواحی واقع بوده است ،
اسطخری حفر افسادان مشهور

نمونه ای از قهوه خانه های بین راه در جلگه خوزستان شمالی

در کتاب معروفش میگوید که ما از عسکر مکرّم باهواز رفتیم و این مسافت را وی از
خشکی هشت و از راه آب شش فرسخ می داند و در جای دیگر می نویسد که عسکر مکرّم
واقعست بر سر راه ارجان و رام هرمز به شوش و شوش و بغداد و راه نزدیکتر آن بدون
داخل شدن و عبور از شوشتر به شوش میرسد و در این کتاب از عسکر مکرّم تا باهواز را يك
مرحله (يك منزل) می داند (در سابق از ۵ تا ۱۰ فرسخ را يك منزل می گفتند) .

از شوق الاربعاء تا عسکر مکرّم را نیز يك مرحله می داند ، ازین مقدمه نتیجه گرفته
میشود که عسکر مکرّم در حوالی بندگیر از مراکز انشعاب راه در خوزستان بوده است
بخصوص که دوشعبه کارون (شطیط و گرگر) و آب دز نیز درین حدود بهم پیوسته
پس از ایجاد کارون بزرگ باهواز و خلیج فارس میرسیده است .

راه اصلی از ملاثانی بطرف مسجد سلیمان ممتد شده و راه دومی ز شبهه گرگر
توسط جسم تقاله Farry عبور کرده وارد جزیره میاناب میشود و پس از آنکه در مقابل در
خزینه باز بوسیله جسم تقاله به نندر کوچک در خزینه متصل میشود شعبه ای از آن بشوشتر
میرود ، این تنها راه اربابه رو (شوشه) جزیره مزبور است . از اینجا راه وارد اراضی گود
و بلندی میشود که کم و بیش توسط سیل ها و رود های کوچک بریده شده و در هر حال
جاده از هفت رودخانه میگذرد که همه از ارتفاعات شمال شرقی خوزستان شروع شده اند .

در حدام Heddam قسمتی از مسیر یکی ازین رودخانه ها رود کارون بصورت خلیجی
دائمی در آمده و در انتهای این خلیج آبادی سید حسن قرار دارد ، از اینجا راه دیگری
بطرف نواحی نفت خیز ممتد است

در آب گنجی بازهم قسمتی از لوله های نفت مسجد سلیمان بجاده میرسد .
آب گنجی آبادی کوچکی است که تقریباً در انتهای جلگه قرار دارد و مسافری
که مشتاق تماشای نواحی نفت خیز است در اینجا اولین شعله و دود نفت سیاه گوه را که
در دامنه کوهی بهمین نام قرار دارد مشاهده میکند ، اینجانب نیز خاطره نوروز ۱۳۲۵ ر
که برای اولین بار عازم مسجد سلیمان بودیم و درین قهوه خانه شام خوردیم فراموش
نخواهم کرد ، اکنون درست سه سال از آن تاریخ میگذرد .

در خزینه از اهواز ۷۵ و از مسجد سلیمان ۵۰ کیلومتر فاصله دارد و بندر رودخانه
کوچکی است که در کنار کارون ساخته شده کشتی های شرکت تا حدود این بندر در کارون
بالا می آیند و در اینجا بوسیله راه آهنی که تا مسجد سلیمان ممتد است حمل و نقل انجام میشود
جاده نیز ازین پیعده بهتر شده تقریباً آسفالت شده است در خزینه در دشت همواری قرار گرفته
از مراکز مهم کشاورزی علمی شرکت است غروب بود که در خزینه را ترك کردیم .
موضوع جالب توجه درین صحاری وسیع سرسبزی و خرمی آنست که تا چشم کار
میکند سبز و مملو از گلپای خودروی مختلف است ، پس از مدت خیلی کوتاهی اتومبیل
جاده اسفالت را ترك کرد و بطرف دست چپ پیچید راننده اظهار میکرد این قسمت سه
فرسخ ولی بواسطه خرابی راه در حدود دو ساعت طول دارد که بمقصد برسم ، چند
روز پیش از مسافرت به شوشتر راه را مثلاً درست کرده بودند ، یعنی هنگامیکه والاحضرت
اشرف از دزفول به شوشتر آمدند ساختمان این راه شروع شد روی جاده را با خاک
صاف کردند .

مسلم است این جاده پس از دوسه روز بیشتر از اول ناهموار و گود و بلند میشود
اتومبیل پیش میرفت و ماها بصحبت همسفر دیگرمان که افسر ژاندارمری شوشتر بود
گوش میدادیم .

سروان صاحب اختیاری از افسرانی بود که در قضایای آذربایجان شرکت داشته
و در جنگهای دولت با متجاسرین فرمانده قسمتی بوده است و اکنون در منطقه بدآب و هوا
خدمت میکرد .

با کمال تعجب مشاهده شد که چراغهای پر نوری از شوشتر بنظر میرسد ، شوشتر
توسط چند موتور کوچک برق که همه توسط آبشار های رود گرگر بسکار می افتند
روشن میشود .

شب عید در شوشتر

اتومبیل وارد شهر شد ولی شهری که دارای خیابان نیست . از عده زیادی کوچه
تنگ و پیچ در پیچ ولی سنگفرش عبور کردیم و بالاخره بجائی گاراژ مانند وارد شدیم
خیلی زود مارا بجائی که میخواستیم روانه کردند .

شوشتر دارای هیچگونه مسافرخانه یا مهمانخانه ای که انسان شب را در آن بگذرانند

لیست و اگر کسی آشنائی درین شهر نداشته باشد با کمال تاسف باید در کوچه بخوابد و یا بمنزل یکی از اهلالی ورود کند. چرا میتوان بصحن مساجد و امامزاده‌های متعدد شهر نیز پناه برد ... در هر حال در گاراژ مردی بما گفت آیات کسی لازم ندارید من با خوشحالی متوجه او شدم ولی بلافاصله معنی تا کسی را فهمیدم، نامبرده ابصار الاغ سفید قشنگی را در دست داشت!

در هر صورت باتفاق یک نفر راهنما بطرف منزل فرماندار که همه میتوانستند ما را راهنمایی کنند رهسپار شدیم.

شهر شوشتر ساختمان عجیبی دارد دیوار بلند و سنگی درب‌ها محکم کوچه‌ها تنگ و اغلب منکسر اغلب درب منازل رو بروی کوچه قرار دارد نه در امتداد آن یعنی برای نصب درب پیچ کوچکی بکوچه داده اند برخلاف شهرهای جنوب خوزستان بالکن کم دیده میشد خانه متروک و خرابه از شمار بیرون بود سکوت عجیبی درین موقع که هنوز ساعت ۸ نشده بود شهر را فرا گرفته بود و گاهگاهی این سکوت با عبور جیب یا ماشین سواری که بزحمت عبور میکرد شکسته میشد، من از مشاهده این وضع بیاد گذشته پر هیجان و پر شر و شور شوشتر افتادم، تقریباً کلیه مورخین و سیاحانی که از شوشتر مطالبی نوشته اند از شبهای موحش و زد و خوردهای متعصبانه شوشتر یاد کرده اند

در اوایل قرن بیستم هنگامیکه رئیس شرکت لینچ در شوشتر توسط مستخدمش زخمی شده بود سیاح معروف انگلیسی سر پرسی سایکس روانه شوشتر شد نامبرده در کتاب خود راجع به شبهای شوشتر اینطور مینویسد:

کپلینگ ۲ در یکی از منظومه‌های خود در اطراف شبهای لاهور و خوف و هراس شرحی مینویسد در حالیکه شبهای شوشتر به مراتب خوفناکتر از لاهور است، صدای گلوله برای من يك چیز عادی شده بود ...

نامبرده در جای دیگر کتاب خود ذکر می‌کند که شبها طپانچه خود را از خود دور نکرده احتیاطاً میز بزرگی را در جلوراه پشت بام می‌گذاشتم که از خطر کشته شدن محفوظ باشم.

لرد کرزن نیز که اندکی قبل از سر پرسی سایکس بایران آمده است شوشتر را خراب و مغشوش دیده علت این خرابی را اینطور بیان می‌کند:

(یکی از بدبختی‌های شهر شوشتر وجود خانها و آقاها می‌محلی است که در هر کوی و برزنی چند نفر از آنها وجود دارد و طبعاً در اثر اصطکاک منافع رقابت می‌کنند و هر چند روز يك مرتبه اسلحه کشیده بجان هم می‌افتند، معلوم است که مردمان عادی و کاسبکار تا چه حد ازین زد و خورد ها زیان می‌بینند.

ناخوشی بدی آب و هوا ناسازگاری آب، جهالت و فقر و ظلم و تعدی مأمورین دولت و بالاخره جنگ داخلی آقاها در خارج شهر و حمله و هجوم ایلات و راهزنان در بیرون شهر سبب گشته است که مرکز عظمت و جلال بزرگ شرق به يك ماتمکده ویرانی مبدل گردد.

در طی مسافتی که از گاراژ تاملزل فرماندار طی شده تنها سر سه راهها که بجای چهارراه در شوشتر دیده می شود پیرزنان فقیر در حال عجز و الحاح دیده می شدند که صدای ناله شان نسکوت را قدری می شکست و یکدفعه نیز صدای ارکست مصلی که دائره زنگی در آن خوب مشخص بود از دور شنیده شد فراموش نشود که ما در شب عید نوروز وارد شهر شوشتر شده بودیم.



هنگامی وارد منزل آقای شریفی فرماندار شوشتر شدیم که ایشان مشغول خواندن آخرین نماز سال کهنه و منتظر ورود سال جدید بودند و از ما که بطور غیر مترقب وارد شده ایشان را از تنهایی رهائی دادیم ممنون شدند این هم یکی از امتیازات خدمت درین قبیل آواچی است که شخص مجبور است خانواده خود را در تهران گذارده تک و تنها زندگی کند.

فرماندار شوشتر مردی است نهال، خوش مشرب و بنده گو قبلا در دزفول بوده و آثار کارهای عمرانی او در دزفول دیده میشود و درین مدت کوتاهی که بشوشتر وارد شده نیز بکارهای کوچکی دست زده ولی اصلا آباد کردن شهر

آقای شریفی

فعلی شوشتر خیلی مشکل و قابل مقایسه با شهرهای دیگر خوزستان مثلا خرمشهر نیست و ایشان نیز از محل کار خود رضایت نداشت.

شهری که دارای ۹ هزار سکنه کور و علیل و بیسواد و متعصب باشد در ناحیه ای که مظاهر تمدن جدید با استخراج و تصفیه نفت رسوخ کرده چه پیشرفتی خواهد داشت درین شهر شش هزار خانه وجود دارد که ازین عده متجاوز از دوثلث متروک می باشد.

طاعون و وبای بزرگ شوشتر

اغلب نویسندگان داخلی و خارجی خرابی شوشتر را از نیمه دوم قرن سیزدهم هجری قمری میدانند باینکه شوشتری ها عقیده دارند که هیچگاه و با و طاعون و

سایر امراض مسریه درین شهر شایع نخواهد شد ولی در سال ۱۲۴۷ وبا و طاعون سختی در شوشتر بروز نمود

در کتاب (شهرهای نامی ایران) می نویسد که در اثر بروز این امراض قریب ۲۰ هزار نفر از مردم شوشتر مردند و در نتیجه فرار و مهاجرت عده دیگر شوشتر از اهمیت افتاد و دزفول جانشین آن گردید ۱

در رساله ای که بفرمان معزالدوله درباره جمعیت شوشتر نگاشته شده درباره طاعون اینطور مینویسد :

طاعون از شوال آن سال تا صفر سال دیگر جمعا ۵ ماه دوام یافت و سختی آن بیشتر در ماه ذی حجه بود چنانکه تنها در سه روز ایام تشریق هجده هزار تن از مردم شوشتر را نابود ساخت!

و در جنگی که در همان اوقات درین باره تدوین گردیده درین باره می نویسد :

گذشته از غرباء که بشمار نیابند از بومیان خود شهر هشت هزار تن نابود گردید !

مرحوم کسروی که در کتاب خود ۲ این آمار را ذکر کرده بدان معترض است و مینویسد در صورتیکه بقول میجر کینیرا که پیش از طاعون در شوشتر بوده جمعیت شهر بیش از پانزده هزار نفر میباشد

وبارن دو بود که ده سال پس از طاعون بشوشتر آمده این جمعیت را چهار تا پنج هزار نفر میداند حتی اگر بقول سید عبداللطیف شوشتری که در اوایل دوره فتحعلی شاه می زیسته جمعیت شهر را از روی تعداد خانه ها که وی ۱۲ هزار میدان ۶۰ هزار بدانیم باز میزان کشته باین حد که در رساله سرشماری ذکر شده نخواهد رسید ، در هر حال کسروی در پایان مقال عقیده خود را اینطور اظهار میکند که بهر صورت در اثر این مرض موحش نیمی از مردم شوشتر و سایر شهرهای خوزستان مردند و پس از آن باز به رساله سابق الذکر اشاره کرده می نویسد شگفت آنست که درین رساله نوشته شده دانیال پیغمبر طلسمی برای وبا و طاعون نقش و در قلعه شوش زیر خاک کرده بود که در نتیجه هیچوقت وبا و طاعون بدزفول و شوشتر نمی آمد و پس از اینکه این طلسم را جاسوسان انگلیسی دزدید با و طاعون با آزادی باین شهرها می آید!

۱ - تالیف لارنس لوکارت انگلیسی ، از کارمندان فاضل شرکت نفت ایران و انگلیس .

۲ - کتاب تاریخ پانصد ساله خوزستان تالیف محقق شهر سید احمد

از سال ۱۲۴۸ که سال بروز طاعون است بی‌عدشش بار دیگر بازباین شهر آه
وهر سال عده‌ای را بگور برد
بالاخره لرد کرزن که سعی میکند هر جا علت خرابی و ویرانی را پیدا کند در باره
این مسئله می‌نویسد

در سال ۱۸۳۱ (۱۲۴۸) که محمدعلی میرزا فرزند فتحعلیشاه در شوشتر حکومت می
کرد طاعون در سال بعد وبای سختی بشوشتر آمد و قریب ۲۰ هزار نفر را بگور برد مردم
هنوز بماتمزدگی آن روزها باقی هستند، جمعیت فعلی شوشتر در حدود ده هزار نفر است و کمتر
شهری مانند شوشتر اینقسم دچار بدبختی و مصیبت های زمینی و آسمانی گشته است
آنگاه چنین اظهار عتیده میکند :

علاوه بر طاعون و وباحکام و مامورین دولتی ایران که از هر کرك گرسنه خونخوار تر و
درنده‌تر میباشند مردم بدبخت این ناحیه را بروز سیاه نشانده‌اند. ۲

تقریباً در هر جا باهر کس که در باره شوشتر صحبت میکردیم تاثر جانشین نشاط
میشد و همه با قیافه‌ای اندوهناک بر آنهمه بدبختی و خرابی که جانشین سعادت و آبادی
شده لعنت میفرستادند، چند روز پیش از مسافرت ما بشوشتر والا حضرت اشرف به این
شهر وارد شده درمانگاه هیرا که از مدتی پیش روبراه شده افتتاح کرده‌اند با ذکر
این نکته که اکثریت مردم شوشتر از سلامتی چشم محروم و عده‌ای نیز از بینائی بکلی
محرومندان یک قدم بزرگی است

ولی با تمام این حرف ها شب نما خوش گذشت زیرا که اولاً از شر خوراکیهای
رستورانهای اهواز راحت شده بودیم و ثانیاً در اثر اینکه شوشتر برق خوبی دارد از
رادیو خوب استفاده میکردیم و توانستیم بنطق اعلیحضرت همایونی گوش داده اولین
برنامه فارسی صدای امریکارا از نیویورک بشنویم، علاوه برین برق تا اندازه‌ای خوب
بود که موفق شدیم در شب عکس بگیریم

شب هوا خیلی خوب بود و در اطاق با پتو خوابیدیم و صبح زود باقوای ملایم موزیک
از خواب برخاستیم

من هیچوقت منظره صبح اولین روز شوشتر را فراموش نمیکنم، بلافاصله پس
از بیدار شدن وارد ایوانی شدیم که برودخانه مسلط بود و آفتاب صبح را کاملاً می‌گرفت
رودخانه با جوش و خروش مخصوص ایام پر آبی بهار از مسیر خود که در حدود بیست
متر از شهر و جلگه روبرو گودتر بود می‌گذشت و چند باغ و نخلستان که در کنار آن
قرار داشت در زیر پای ما جلوه بخصوصی داشت، آنگاه رودخانه پیشروی ادامه‌داده
از نظر ناپدید میشد.

از روی پشت بام بهتر میشد شهر را تماشا نمود در درجه اول امامزاده ها و مساجد قدیمه از هر گوشه و کنار خودنمایی داشت و از مشاهده منازل نیمه خراب انسان را بیاد آن داستان معروف بمباران شوشتر یا یکی دیگر از شهرهای نظیرش میافتاد ۱ پس از مدت کوتاهی آقای فرماندار برای سلام بفرمانداری رفته و ما ها برای تماشای شهر از منزل خارج شدیم . راهنمای ما درین گردش پاسبان قد بلند بود که کم و بیش در مورد آثار قدیم اظهار عقیده میکرد پس از پائین رفتن از عده زیادی پله به کف رودخانه گرگر رسیدیم :

شهر شوشتر و جزیره میان آب :



رود کارون در ارتفاعات شمالی شوشتر وارد جلگه میشود و در بالای شوشتر بدو قسمت شده بطوریکه ذکر شد در نواحی شمالی اهواز در محل بند قیردوباره دوشاخه بهم میرسد عرض این جزیره بین پانزده و ده کیلومتر (بعقیده مرحوم کسروی دو فرسنگ) و طول آن در حدود چهل کیلومتر (بعقیده کسروی هفت هشت فرسنگ) میباشد این جزیره توسط نهری که از ابتدای رودخانه غربی گرفته شده مشروب میشود .

از لحاظ جغرافیایی شوشتر دارای بهترین موقعیت است ، آب فراوان ، هوای نسبتاً خوب زیرا که از رطوبت شدید سواحل خلیج فارس برکنار است سایکس در خصوص هوای شوشتر بذکر این عبارت

منظره ای از شهر و رود گرگر
و سد آن

اکتفا می کند (هوای شوشتر در تابستان فوق العاده گرم و صبح ها به صد و هشت و ظهر ها به صد و بیست و هشت درجه میرسد)

در صورتیکه این آمار هم صحیح و از روی اصول باشد باز هوای شوشتر نسبت به هوای سایر نواحی خلیج قابل تحمل است زیرا که اگر گرما با رطوبت توأم شد طاقت فرساست مردم شوشتر برای فرار از گرمای شدید تابستان زیرزمین و سردابه های بزرگی حفر میکنند که بنام شادودان معروفست و از قرار اظهار اغلب کسانی که تابستان را در شوشتر بوده اند با زندگی در شادودان از حرارت هوا خیلی کاسته میشود .

در خصوص پیدایش و آبادی شهر شوشتر روایات مختلفی در کتب سیاحان و غیره دیده میشود و البته پرواضح است که خواهی نخواهی در محل مناسبی مانند مکان فعلی

۱ - معروف است که در اوایل اشغال ایران یک طیاره برای بمباران کردن شهرهای ایران از شوشتر عبور کرد و تصور اینکه قبلاً بمباران شده است هیچگونه افدامی ننمود

شوشتر مرکز جمعیت ایجاد میگردد.
مستوفی در نزّه القلوب مینویسد: تستر (ششتر، شوشتر) در تلفظ ششتر خوانند
از اقلیم سیم است.
... هوشنگ پیشدادی ساخت و خراب شده بود اردشیر بابکان تجدید عمارت آن
کرد و شکش بر مثال اسب ساخت ۱

در کتاب تحفه العالم درباره پیدایش شوشتر اینطور مینویسد: روزی هوشنگ
نقصد شکار و تفرج باطراف شهر شوش سیر میکرد حوالی رود کرن مکانی وسیع الفضا
با نزّهت و صفا بنظر او درآمد بزبان الهام بیان فرمودند که اینجا شوشتر است بنای
این سرزمین از برای بنای شهر بهتر است، پس بمهندسان کارآزموده حکم فرمود که
طرح شهری عالی در آنجا ریختند و بکار کردن مشغول شدند ۲
در تذکره شوشتر ۳ درین باره اینطور اظهار عقیده میکند:

هوشنگ پیشدادی پس ازینکه سنک چغماق و آتش را کشف کرد دستور داد که در حوالی
خوزستان فعلی مردم منازل خود را نزدیک بهم بسازند و در نتیجه شهری ایجاد شد که خوش یا شوش
نامیده شد و پس از بدتی همینکه گذار هوشنگ بحوالی رود کارون رسید گفت اینجا خوشتر یا
شوشتر است و بدین ترتیب شهر شوشتر درینجا بامر و علاقه هوشنگ بوجود آمد، شهر را به
شکل اسب ساختند.

لرد کرزن در کتاب سابق الذکر خود مینویسد که نام شوشتر از کلمه شوشا و
سوسا یعنی مطبوع و دلپسند مشق شده و بعضی دیگر آنرا شاه شترا یعنی شهر شاه
می دانند.

با ذکر مطالب بالا معلوم میشود که نام شوشتر نیز از کلمه شوش که بشهر شوش
بایتخت قدیم خوزستان و شوش حوالی مال امیر اطلاق میشده اتخاذ شده است اعراب
بشوشتر تستر گفتند و در اغلب این کتب جغرافیائی و تاریخی بعد از اسلام نیز تستر ذکر
شده، حالا ششتر و ششتر هم ذکر می کنند، در کتاب تحفه العالم درباره کلمه تستر عقیده
دیگر ابراز شده است و بعضی شوشتر را ششتر گفته اند و اعراب بقاعده عربیت آنرا تستر
خوانند که تستر نامی از بنی عجل آنرا مفتوح نموده بنام او مشهور شده ۴

سپک ساختمان شوشتر سبکی است مخلوط از ساختمان شهر های ساحل خلیج
(بصره و خرمشهر) که اغلب دارای بالکن و کوچه های تنگ می باشند و شهرهای مرکزی

۱ - جغرافیای مفصل ایران جناب آقای کیهان جلد سوم ص ۴۷۱

۲ - تحفه العالم چاپ هند ص ۴ و ۵

۳ - تألیف سید عبدالله شوشتری

۴ - تحفه العالم ص ۵

ایران، کوچه ها سنکفرش و خیلی کج و پیچ در پیچ است دیوار ها بلند و سنگی است و انسان از مشاهده خانه های اعیانی متروک بیاد بدبختی های بیشمار مردم می افتد که یا از بین رفته و یا کوچ کرده اند لرد کرزن که همیشه با نظر بدبینی اوضاع ایران را تشریح می کند درین باره اینطور می نویسد

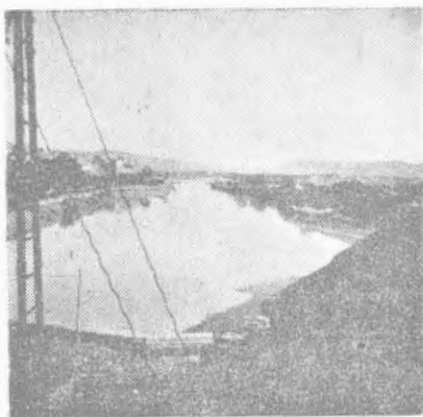
پس عجب نیست که در وسط شهر شوشتر مانند اصفهان و دیگر شهرهای ایران خانه های ساخته و پرداخته بی سکنه بسیار می بینم که از ظلم و جور و نا امنی یا مرده اند و یا با بگریز نهاده . از شوشتر با از ایران رخت بر بسته اند ۱

متأسفانه هر مسافر تازه واردی بیش از هر چیز متوجه کثافت غیر قابل تحمل شهر میشود اغلب سیاحان خارجی این موضوع را با آب و تاب ذکر کرده اند و حتی کرزن می نویسد که مبالها بوسیله ناودانها بکوچه متصل شده اند در صورتیکه چنین نیست ولی در هر صورت مستراحها وضع بسیار بدی دارد و اغلب در کنار کوچه ها انسان چاههای عمیق مملو از کثافت مشاهده می کند

تصور نمی کنم در تمام ایران شهری باشد که مانند شوشتر از اصلاحات جدید تا این اندازه بی بهره مانده باشد در تمام شهر یک خیابان مستقیم و راست کشیده نشده فقط یک ساختمان جدید در جنوب شوشتر در وسط مزارع باقلا برای موسسات کشاورزی ساخته اند که آنهم ظاهراً تمام نشده است همین و بس ولی ساختمان های محکم و بزرگی بسبک عمارات دوره قاجاریه در شهر دیده میشود

بطوریکه ذکر شد سابقاً برای آبیاری شوشتر اقداماتی شده است امروز آبیاری

از این بناهای عمران برجای مانده اند که بترتیب ذکر میشود



الف بند میزان در سمت مشرق شوشتر و بروی شعبه گراگر که بنام های بند خاقان و بند محمدعلی میرزا بند گراگر پل بلیتی (بناسبت زمین های اطرافش که بنام بلیت معروف است) نیز خوانده میشود چون قسمت کمتر آب کارون ازین سمت میگذشته بدان دودانگه گفته میشود و نام قدیمی آن مسرقان است ولی فعلاً قسمت عظیم آب ازین شعبه در جریان است

قبل از شرح ساختمان این سد که در ضمن پل نیز هست و تنها پلی است که شوشتر را بجلگه خوزستان وصل می کند

مخزن آب در بالای سد رود گراگر

لازم است به استان رود مسرقان بپردازیم

داستان رود مسرقان - شادروان کسروی در کتاب معروف خود درباره این رودخانه مطالعات دقیقی کرده و اینجانب با تجلیل مقام علمی و ادبی آن مرحوم به اختصری از تحقیقات وی را درین باره ذکر و کسانیرا که مشتاق اطلاعات بیشتری باشند بمطالعه کتاب تاریخ پانصد ساله خوزستان توصیه می کنم در ضمن از بعض کتب دیگر نیز در این مقصود استفاده هائی شده است

در کتب مختلف نویسندگان باسامی مسرقان که بروی رودخانه و آبادی گذارده میشد و بند قیر ، بند میزان بر میخوریم که بعضی ازین اسامی هنوز هم در خوزستان متروک نشده است .

کارون در دوره های گذشته پس از برخورد به نواحی فعلی شوشتر بواسطه اینکه جنس زمین قدری سخت است بمغرب متمایل میشد یعنی از مجرای اصلی خود که امروز شطیط یا چهاردانگه نامیده میشود جریان داشت ، زمین سخت مورد بحث که شهر شوشتر بروی آن ساخته شده جنس آن سنگ ماسه است و میتوان با آلات فلزی آن را کند و برید و چون کارون اصلی که مجرایش همان مجرای کارون امروز است عمیق و پر آب بوده و اراضی زیادی را مزروع نمیساخته اردشیر بابکان بفکر افتاد که ازین محل شعبه ای از کارون بطرف خلیج بکند ، شاید موضوع فتح اردشیر در دشت هرمان هم درین موضوع بی تأثیر نبوده است زیرا که مجرای مسرقان از بین اهواز و رامهرمز میگذرد و در نتیجه جلگه شرقی خوزستان که دارای اراضی بهتری است مزروع میشود و در ضمن بواسطه کم شدن آب کارون در اهواز میتوان بروی آن سد بست و از آبش استفاده کرد بخصوص که آنروز گارهم مثل امروز مجای کارون گود بوده آبش بزمین های اطراف سوار نمیشده .

بدین ترتیب جوی مسرقان تبدیل بشط مسرقان میشود و بتدریج بر اهمیت آن افزوده میگردد زیرا که در نواحی اطراف آن اراضی زراعتی زیادتیر از شطیط که بنام دجیل نیز خوانده میشده است وجود داشته و حتی استخری در قرن چهارم مسرقان را آبادترین نواحی خوزستان میداند .

پس نهر مسرقان توسط ساسانیان کنده شد و بتدریج بر وسعت آن افزوده گردید ولی موضوع جالب توجه اینست که چگونه دوشاخه بار دیگر بهم پیوستند ؟ ظاهر آدر حوالی عسگر مکرّم کانالی حفر شده بود که کشتیها ازین کانال میگذشتند و در اثر گود بودن زمینی که شطیط در آن جریان داشت این کانال دارای شیبی بود که همین شیب

باعث شد بر وسعت و غمق آن افزوده گردد (۱) و دهانه اصلی کم کم کور شده و آثار دهانه های کور شده در نواحی جنوب و جنوب شرقی اهواز دیده میشود درینجا نیز مرحوم کسروی از شواهد تاریخی اتخاذسند کرده و گفته استخری را آورده که میگوید :

و جاری است از ناحیه شوشتر نهر مسرقان حتی عسکر مکرم و اهواز و موقعیکه منتهی میشود به عسکر مکرم رویش جسر بزرگی است که با بیست کشتی بوجود آمده و از آن کشتی های بزرگ عبور میکنند و من سوار شدم از عسکر مکرم با اهواز که مسافتش هشت فرسخ است که شش فرسخ آنرا در آب سیر کردیم و بعد از آب خارج شدیم و سیر کردیم در وسط نهر (عبارت پیچیده است) و اما باقی مسافت را از طریق خشکی پیمودیم و هیچ آب این نهر هدر نمی رود و مشروب میشود با آن کشتزار های نیشکر و نخل و سایر زراعات (۲)

بدین ترتیب طبق قول استخری در قرن چهارم (اوائل آن) از عسکر مکرم بطرف اهواز شط مسرقان در حال خشک شدن بوده و آنچه که آب داشته تا شش فرسخی صرف آبیاری میشده

ولی باز از روی شواهد تاریخی معلوم میشود که رود مسرقان حتی در قرن پنجم نیز کاملاً خشک نشده بوده است ۳

و یا اینکه خشک شده و دوباره آبرو برای خشک نشدن اراضی مزروعی مسرقان بنهر برگردانده اند و برای این منظور سد معروف بند قیر را ساخته اند ۴ در هر صورت از قرن ششم بعد رود مسرقان بکلی مسیر خود را عوض کرد و وارد کارون اصلی شد و این تغییر مجرا چند نتیجه داد :

۱ - خشک شدن آبادی های مسرقان که درخوزستان معروف بوده در اثر کم آبی

۲ - خراب شدن بند اهواز در اثر فشار آب و خشک شدن بعضی دهات اطراف آن ۵

۳ - ارتباط راه آبی شوشتر و اهواز که مدتی قطع شده بود دوباره برقرار گردید

(۱) مرحوم کسروی باین نکته اشاره نکرده است

(۲) مسامك المالك چاپی استخری که ابن حوقل قول استخری را عیناً نقل کرد

۳ و ۴ و ۵ - تاریخ بانصد ساله ، مسامك المالك ، رساله شوشتریه ، تاریخ ابن اثیر

از محل امامزاده سید محمد گیاه خوار در شمال شهر شوشتر آب کارون قسمت میشود و متجاوز از نیم کیلومتر بعد ازین نقطه که محل این تقسیم است بند مسرقان قرار دارد و این مسافت بمنزله انبارهای است که مملو از آب بوده دارای جریان مختصری است ، سپس نزدیک بند مزبور در دست چپ اولین کانال زیر زمینی ایجاد شده و آبی که درین حفره فرو میرود نیم کیلومتر دورتر بیرون می آید ، بند تونل دوم در طرف چپ و بالاخره تونل سوم در دست راست که مستقیماً در زیر پل قرار دارد جلب نظر میکنند مجموعاً آب از نه دریچه نا مرتب خارج میشود سد در روی بسیاریترین نقاط رودخانه ساخته شده و بمنزله پل نیز از آن استفاده می کنند ، در قسمت جنوبی پل وسد که محل خروج آب است آسیابهای متعدد (دکتر کوکهارت عده آنها را سی عدد نوشته که روزانه ۱۰۰۰ کیلو گندم خورد می کنند ، در صورتیکه فعلاً ازین عده کمتر است) و سه توربین ایجاد برق و یکدستگاه آبیگیری برای شهر ایجاد نموده است . ارتفاع آب در بالای بند ۳۱ پا تفاوت سطح آب نهر در بالا و پائین نهر در مواقع کم آبی فقط دو پا است !

بطوریکه ذکر شد حفرنهر مبرقان در دوره اردشیر آغاز گردید ولی موضوع جالب توجه اینست که آیا بستن سد در چه دوره ای انجام شد زیرا در ابتدای امر که هنوز آب در کانال زیاد نبود . بستن سد ضروری شمرده نمیشد ، بند فعلی توسط محمد علی میرزای دولتشاه حکمران غرب و جنوب غرب در دوره قاجاریه بسته شده ولی مسلماً قبل از او این سد وجود داشته ،

مرحوم کسروی در کتاب خود باین موضوع اشاره کرده و می نویسد که بعد ها چون جنس خاک مسیر مسرقان بهتر بود بتدریج مقدار آب بیشتر در آن جای شد درحالی که هدف اصلی این نبود و بدین ترتیب مقداری از اراضی که از آب شطیط استفاده می کردند خشکید و در ضمن بواسطه پائین رفتن آب در مسرقان از نهر مخصوص شهر شوشتر نیز آب جای نمیشد

این جانب بگفته آن دانشمند اضافه می کنم که اصولاً مجرای آب گرگر از اراضی بهتری جاری است و بهمین دلیل با اینکه این مجرا از مجرای اصلی جوان تر است بواسطه جنس خاک و عدم وجود اراضی سخت خیلی زود عمیق و هموار شده بطوری که امروز کشتی رانی درین شاخه ممکن است ولی در شاخه اصلی مشکل و بلکه غیرممکن است .

در هر حال عده زیادی از نویسندگان که درباره شوشتر تحقیق کرده اند رود مسرقان

را معاصر با بناهای رودخانه ای دیگر شوشتر دانسته به شاپور نسپت می‌دهند (باین موضوع در صفحات بعد باز اشاره خواهیم کرد)

در ظفرنامه که تاریخ زندگی تیمور است علی یزدی هنگامیکه در باره مسافرت تیمور بخوزستان صحبت میکند از دودانگه و چهاردانگه اسم می‌برد ۱

از محققین خارجی فقط رگن آلمانی را می‌شناسیم Reggon که در حدود سال ۱۹۰۰ برای مطالعات تاریخی بخوزستان آمده و در ضمن درباره کانال گرگر و سد شوشتر عقیده جدیدی دارد

محقق مزبور عقیده دارد که اختلاف آب در بالا و پایین سد ۱۵ متر است و پل نیز فقط بمنظور استفاده عبور و مرور و اتصال شوشتر به اهواز ساخته شده و کانالهای زیری آن اخیراً ساخته شده ۲

شکستن بند میزان و اثرات آن

بطوریکه ذکر شد شوشتر مانند جزیره‌ای از هرطرف بآب محدود شده و رسیدن بشوشتر باین وضع کار ساده‌ای نیست، اولین و مقدماتی‌ترین وسیله برای عبور از رودخانه درین نواحی عبور بوسیله کلك است

ولی متأسفانه این وسایل مانند اسمشان چندان قابل اطمینان نیستند و تاریخ فجایعی از غرق شدن آن بیاد دارد؛ مثلاً در اواخر دوره صفویه هنگامیکه فتحعلیخان از خانواده واخستو در شوشتر حکومت میکرد عده‌ای از سران ایل فیلی که عازم عربستان بودند هنگام عبور از شطیپ کللشان وارونه و کللشان بکلی کنده شد، مرحوم کسروی نیز در کتاب خود اشاره میکند که در سال ۱۳۰۲ در همانجا عده‌ای را کلك غرق ساخت (۳) ولی متأسفانه هنوز هم درین نواحی تنها وسیله محلی برای عبور از شط کلك است و حتی در آخرین روزی که ما در شوشتر بودیم در پائین منزل فرماندار عده‌ای مشغول ساختن کلك بودند که بوسیله آن مسافرتی رفته ایام عید را خوش باشند

در هر صورت برای رسیدن به دزفول و نواحی مغرب بختیاری بایستی از روی شطیپ عبور کنند و این موضوع نیز چنانکه ذکر شد خطراتی داشت، ازینرو حکمران خوزستان تصمیم گرفت که در روی شطیپ و در محل شادروان پلی بسازد و برای اینکه

۱- مرحوم کسروی از این موضوع استدلال کرده که لابد در این موقع بند میزان وجود داشته در صورتیکه تنها وجود داشتن اسامی دودانگه و چهاردانگه کافی برای وجود داشتن سد و بند سرقان نیست

۲- از مقاله سد شاپوریک شاهکار صنعتی است اطلاعات ماهیانه ص ۲۶ شماره ۲

۳- تاریخ پانصد ساله ص ۸۹

از شدت آب شطیط بکاهد دستور داد منفذی در سد روی گرگر ایجاد کنند و هر قدر مردم سالخورده محلی او را ازینکار منع کردند نتیجه نداد (۱)
فتحعلیخان در سال ۱۱۰۶ باصفهان احضار شد و مجال نیافت که رفته بندمیزان را بسازد و تصادفاً در همان سال سیل مخوفی آمده آن آبراهه کوچک را بزرگتر کرد این عمل دو نتیجه بد داشت :

- ۱- پائین آمد سطح آب در بند میزان که باعث شد آب کمتر وارد نهرداریان شود و در نتیجه جزیره میاناب کم آب شده مزارعش خشکید
- ۲- شکستن بند مقام در زیر بند میزان بواسطه فشار آب که در نتیجه آن نیز مقداری از اراضی شوشتر بی آب شد .

ساخته شدن بند میزان یا پل بلیتی بوضع فعلی

در دوره نادر که اسفندیار بیگ حکمران شوشتر بود از طرف نادر دستور برای گرفتن رخنه مزبور رسید و بنا شد مخارج آنرا که ۱۴۷۰ تومان (بیول آن روز) میشد (۲) از مالیات کاشان وصول کند اسفندیار پس از وصول این مبلغ خرابی بند را مرمت کرد و آب رفته بجوی داریان باز آمد ولی متأسفانه خودش در همان اوان مرد و بند نیز دوباره در اثر سیل خراب شده ازین رفت مردم نیز نه جرئت آگاه ساختن نادر را داشتند و نه قدرت تعمیر آن را

پس از هشتادسال هنگامیکه محمدعلی میرزا دولتشاه پسر ارشد فتحعلیشاه بحکمرانی غرب ایران رسید در اثر شکایات مردم تصمیم بیستن نهر میزان گرفت و معمارباشی خود را از کرمانشاه خواسته ساختن نهر را باو واگذار کرد و در مدت سه سال اینکار به پایان رسید و بند و پل مسرقان که امروز بدان پل بلیتی گفته میشود بشکل امروز درآمد در رمضان ۱۲۲۴ آب وارد نهر داریان شد و مردم با نهایت مسرت این امر خیر را جشن گرفتند و (آبادی شوشتر) را ماده تاریخ آن قرار دادند (۳)

ولی متأسفانه پس از سه سال در ربیع الاول ۱۲۲۷ دوباره بند را سیل را خراب کرد و مردم و شوشتر ماتم گرفتند این دفعه نیز دولتشاه همان معمار را فرستاد و این بار چند دفعه بند را تعمیر کرد و با اینکه هر دفعه فشار آب آنرا خراب میکرد معمار ایستادگی کرد تا اینکه در سال ۱۲۲۷ بند مزبور بشکل امروزی ساخته شد و بنام بند محمدعلی میرزا یا بند خاقان معروف شد .

در کتاب فائق البیان ابعاد بند را اینطور مینویسد :

در ازا ۴۶۷ دزغ شاه

ارتفاع در وسط ۲۰ و در دو طرف ۴ تاه دزغ شاه

۲-۱- تندکره شوشتر به

۳- یکی از سادات جزایری شوشتر کتابی بنام فائق البیان نوشته که تفسیر آیه آن الله یا امر بالعدل والاحسان است این کتاب بنام دولتشاه بوده و در مقدمه آن بستن بند میزان را شرح داده است . تاریخ کسروی ص ۶۷

پس از ابتدای بند ۵۳ در بالا و کف بند ۴۴ ذرع شاه
فعلا از سد مزبور چند استفاده میشود :

۱- بند خاقان که پل نیز هست تنها پلی است که شوشتر را بغاراج وصل میکند و جاده
اهواز از روی آن میگردد .

۲ - درائر وجود سد در بالای آن انباره ای از آب بوجود آمده که میتوان از آبش بوسیله
تلمبه یا چرخ آب استفاده کرد و حتی آب باندا ره ای ساکت و آرام است که برای قایق رانی هم قابل
استفاده است .

۳ - درائر وجود بند آب کاملا وارد نه رهای داریان و دشتا باد شده جزیره ی میاناب
مزروع میگردد .

۴ - از فشار آب و سقوط آن عده ای آسیاب و چند توربین بکار میافتد و بطوری که
آقای مهندس نویسنده مقاله سابق الذکر اطلاعات ماهیانه اظهار نظر نموده با مختصر تغییری
میتوای معادل ۱۰۰۰۰ کیلووات برق از آبشارهای فعلی گرفت .

۵ - بطوریکه قبلا نیز ذکر شد مسیر رود گرگر از جنس سست تری است و اگر
چنانچه بند میزان وجود نداشته باشد در مدت معینی (که البته خیلی طولانی است) قسمت
اعظم آب از مجرای اصلی منحرف شده وارد گرگر میشود و در نتیجه استفاده هائیکه از شطیط
میشد دیگر نخواهد شد و از طرفی نیز امروز روی هر دو شعبه می توان سد بندی نمود و از آبش
استفاده کرد .

ب - شادروان شوشتر

از جائیکه آب بدو شعبه تقسیم میشود کف رودخانه سنگفرش شده و این سنگ
فرش منتهی میشود بسد شادروان سد شادروان عبارت است از دیواره مسطح و کوتاهی که
در ابتدا ۲۰۰ متر طول و ۲۲ متر عرض آن بود . ۱

این سد می توانسته است که آب را شش پا بالا بیاورد و بطوریکه ذکر شد همین
سد باعث گود شدن گرگر و کندن طبیعی آن کانال و بالاخره بستن سد میزان
گردید .

در روی شادروان بفاصله دوست یا سیصد قدم پل ام وزی شوشتر که دارای چهل
و چهار چشمه بوده و فعلا خراب است دیده میشود .

در خصوص ساختمان سد شادروان اکثریت قریب باتفاق مورخین عقیده دارند
که این سد توسط والرین امپراتور روم و بدستور شاپور اول ساسانی ساخته شد . ۲

۱ - شهرهای نامی ایرای دکتر لوکهارت .

۲ - شاپور ذوالاکتاف چون از روم بایران رسید و بر قیصر غلبه کرد و پادشاهی یافت
قیصر را الزام نمود تا بعد از تدارک خرابی که درین ملک کرده بود آب شستر مثالیه گردانید و
بر آن سدی عظیم بست و جوی دشتاباد که مدار ولایت شستر بدانست سبب آن بند جاری شد .

اسطخری آنرا از عجیب ترین بناهای عالم میدانند ۱ و مؤلف نزهة القلوب مطلب خود را درباره این سد اینطور خاتمه میدهد ۲ : و در مسالك الممالك گوید که از آن محکمتر بندی بر هیچ آب نبسته اند اما بند امیر که بعد از تألیف مسالك الممالك در فارس عضدالدوله دیلمی بر آب کر بسته است از آن عظیم تر است ۳

در کتاب مجالس المومنین شرحی در خصوص شوشتر و سد شادروان نگاشته طول سد را قریب بیست میل دانسته و می نویسد که سد را با سنگ و عمود های آهنین ساخته فاصله های آنرا با سرب انباشته اند و از آن محکمتر بنایی را کسی نشان نداده است ۴ موضوع جنگ شاپور اول با رومیان دارای جنبه تاریخی است و این پادشاه پس از آرام ساختن نواحی شرقی ایران متوجه مغرب شد و در طی جنگهایی که از ۲۵۸ تا ۲۶۰ م با رومیان کرد و والریانوس Valerian را مغلوب و اسیر نمود (در محل ادسا) ۵ و شهر انطاکیه را تصرف کرد.

بعقیده طبری شاه ابتدا دستور ساختن شهر و پس از آن فرمان ساختن سد را صادر میکند و در کتاب مجالس المومنین درین باره اینطور می نویسد :
(... قیصر را بیاورد با ولطف کرد و گفت دل خوش دار که من ترا نمی کشم اما در بندهن خواهی بود تا وقتی که ولایتی را که خراب کرده ای آبادان کنی و بموض درخت هایی که بریده ای بشانی و شادروان شوشتر را به بندی و همچنان کنی که در زمین مزارع صیفی پیدا شود و زرع در آنجا بتوانند کرد ، چون قیصر بر جان خود این گشت دس فرستاد تا صنایع و مهندسان زبردست از روم بیامدند و مال و خزاین بیاورند و بعمارت ملک ایران مشغول شدند و ولایت ها را آبادان گردانید تا چنان شد که اول بود بعد از آن بعمارت شادروان شوشتر پرداخت و مهندسان و بنایان را بیاوردند و بدان مشغول شدند
قیصر بفرمود که هر روز هزار گوسفند را روانه کنند و در گردن هریکی قدری زر یا نقره بسته با آهن یا سرب یا ارزیر چنانکه هر بامداد هزار گوسفند می آمد و بشیر گوسفند نوره و گل او را ترمی کردند و می راندند و سنگهای محکم را دودو بر یکدیگر می بستند و بطوق های آهنین و سرب پر بسته و آب را با عمل بردند و زرع انداختند و بستان ها و باغ های خوب می کردند و چون ازین جمله بپرداخت ...)

۱ - الشاذ روان الذی بناه شاپور و هومن اعجب البناء و حکمه بلغنی ان امتداده یقرب من میل قد بنی بالحجاره

۲ - نزهة القلوب خطی

۳ - در نزهة القلوب بجای شاپور اول شاپور ذوالا کتاف نوشته است و لسی در کتب دیگر همه جا شاپور اول است در کتاب مجالس المومنین نیز شاپور ذوالا کتاف گفته است همین طور در تحفة العالم

۴ - مجالس المومنین خطی متعلق بآقای سید جلال جزایری *

۵ - ادسا از نواحی شامات

فردوسی در شاهنامه باین موضوع اشاره کرده و عقیده دارد که سرپرست ساختمان سد شخصی بوده است بنام بزانش ۱ اشعار فردوسی از اینقرار است:

همی برد هرسو بزانش را	بدو داشتی در سخن گوش را
یکی رود بد بهن در شوشتر	که ماهی نکردی پرو بر گذر
بزانش را گفت اگر هندسی	بلی سازی این راجنان چون رسی
که ما باز گردیم این پل بجای	بماند بدانانی رهنمای
برش کرده با لای پل هزار	بخواهی ز گنج آنچه آید بکار
تو از دانش فیلسوفان روم	بکار آرچندی درین مرز و بوم
بکار اندر آمد بزانش مرد	سه سال آن پل تمامی بکرد
چو شد پل تمام اوزشتر برفت	سوی خان خود روی بنهادتفت

ولی با تمام این احوال معلوم نیست که پل مزبور را در دوره شاپور ساخته باشند، مرحوم کسروی در کتاب خود در این باره جداً اظهار عقیده کرده و می گوید:

آنچه از تاریخها پیداست در زمانهای باستان و در قرنهای نخستین اسلامی پل بروی لین رود نبوده و کاروانیان بوسیله کشتی یا کلاک یا وسیله دیگری از روی آن می گذشته اند گاهی نیز جبری بروی آن بسته بوده که بجای پل گذرگاه کاروانیان بوده» ۲

ولی در اغلب کتبی که درباره شوشتر نوشته شده اظهار عقیده شده که این بن توسط شاپور ساخته شده و در دوره بنی امیه خراب شده ۳

در هر حال در ۱۰۷۸ ه. م. که فتحعلیخان بجای پدرش و خشتو خان که از طرف شاه صفی به حکمرانی خوزستان آمده بود بحکومت رسید چون شوشتر از جانب مغرب بخشکی راه نداشت مصمم شد که در آخر سد شادروان پلی بسازد و چنانکه ذکر شد برای این کار لازم بود که آب شطیط کمتر شود و ناچار رخنه ای در بند میزان کردند، در نتیجه توسط نامبرده پلی چهل و چهار چشمه در روی شطیط ساخته شد و مدت ساختمان آن دوازده سال طول کشید چهل و سه چشمه کوچک هم دارد در ازای آن ۵۸۰ و پهنای آن ۱۵ متر است و بالاخره در سال ۱۳۰۳ قمری که سیل عظیمی آمد قسمتی از پل و سد شادروان را از بین برد ۴ و هنوز بدین حال باقی است

۱- بعقیده دکتر لوکهارت این اسم از کلمات رومی نمیباشد (شهرهای نای ایران)

۲ - تاریخ پانصد ساله خوزستان ۸۸

۳ - از جمله تذکره شوشتری می نویسد که چون شبیب خارجی از روی آن گذشت و در آب افتاد حجاج پس از تسلط بر آن آنرا خراب کرد ولی این داستان صحیح نیست زیرا که شبیب از روی جسر اهواز در آب افتاد نه پل شوشتر، در کتاب دیدنی ها شنیدنی های ایران نیز این داستان با تحریف مختصری نقل شده است.

۴ - بعقیده لرد کرزن برای بستن پل و سد کیسه و سد های پر از شن را در مقابل جریان آب قرار دادند تا قسمت های خراب را بسازند ولی از نیکار نتیجه گرفته نشد

تعمیر و ساختن پل ازین لحاظ که در روی سد شادروان ساخته شده خود پل نیز شالوده محکمی دارد کار اساسی بزرگی است و همانطور که پل دزفول را توسط چند چشمه سمتی ساخته اند جا دارد که پل شوشتر نیز تعمیر و ساخته شود ، فعلا عبور و مرور ازین راه بوسیله جسر و جسم نقاله است و البته پر واضح است که این وسائل جای پل را نخواهند گرفت .

در هر حال قدر مسلم اینست که سد شادروان توسط شاپور و بوسیله اسرای رومی ساخته شده ۱.

و حتی بعضی نیز عقیده دارند که قبل از شاپور سدی در این نقطه وجود داشته است ۲ در باره ساختمان سد شادروان افسانه ها و داستانهای مختلفی بین مردم وجود دارد که شاید بعضی از آنها حقیقت داشته باشد .

مثلا در باره تخت قیصر میگویند چون این محوطه قدری بلند بوده و باطراف مسلط از نیز و قیصر در روی آن می نشسته و دستورات خود را صادر می کرده است و یک نفر بخوبی از او نگهداری می کرده و در باره قلعه ماه پریون (یا ماهرویان) گفته میشود که چون هزینه سد زیاد بود دستور داد عده ای از دختران ماهروی روم را بشوشتر آوردند و کارکنان ساختمان سد آنچه را که روز بعنوان حق الزحمه دریافت می داشتند شب برای عیش و نوش تسلیم پریان مزبور می کردند و قیصر دوباره پولها را از دختران مزبور گرفته فردا بین ایشان تقسیم میکرد ۳ .

هدف ساختن شادروان چه بوده ؟

مقصود اصلی از ساختن این سد که راستی از لحاظ استهکام کمتر نظیر دارد بالا بردن سطح آب بوده است که در نتیجه آب وارد کانالهای اختصاصی جزیره میاناب شده اراضی این جزیره قابل استفاده شود و پر واضح است که امروز با وسائل جدید می توان کلیه یا قسمت زیادی از آب شیطیط را بالا گرفت و نواحی اطراف را سیراب ساخت .

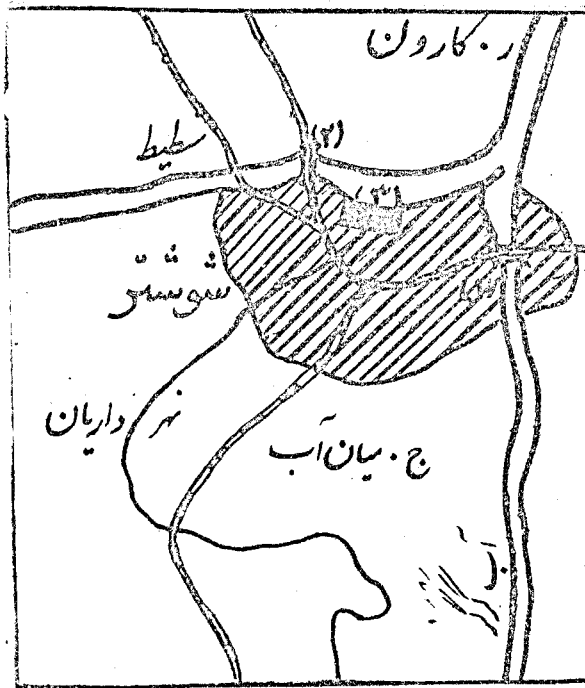
در پایان این قسمت بی مناسبت نیست که قسمتهائی از کتاب تحفة العام را درباره ساختمان شادروان عیناً نقل کنیم :

وارد شیر بابك بن ساسان که بر تخت سلطنت فرار گرفت... بفكر تجديد بنای شوشتر افتاد و از هرجائی جمعی بآنجا کوچانیده حکم فرمود تاخانه بسازند و درین باب تشدد یار نمود و در اندك زمانی عمارات و برج و باروی شهر باتمام رسیدند و مرکوز او چنین بود که پائین دهنه داریان که الحال زیر پل دزفول واقعست بعرض رودخانه شادروانی بنا نماید تا آب

۱ - کرزن سرمهندس رومی را اورانوش می نویسد و عقیده دارد که قیصر روم برای ساختن سد از هفت سالی که در شوشتر زندانی بود استفاده کرد .

۲ - مقاله اطلاعات ماهانه شماره ۲ (سد شاپور يك شاهكار بزرگ صنعتی است)

۳ - بیانات شفاهی آقای جزایری



شهر شوشتر و رود کارون

- ۱ - بند میزان ورود کرکر
- ۲ - پل شطط که فعلا خراب و متروک است و در راه دزفول در زیر آن دیده میشود
- ۳ - قلمه سلاسل

مرتفع گردد و بنهر داریان جاری شود از اجل فرصت نیافت و در گذشت باز مردم بهمان مشقت و تعب روزگاری بسر میبردند...

ذوالاکناف بعد از قلع و قمع اعراب بحرب قیصر کمر بسته اورا مغلوب و اسیر کرد و به ایران مقید داشت و پس از مواخذه و مصادره باو فرمود که اگر نجات خود را میخواهی ممالکی را که از قلمرو من خراب کرده ای بساز و چون شاهپور را بعمارت و آبادی شوشتر رغبتی موفور بود بقیصر التزام نمود که ابتدا شادروان شوشتر را بساز و چنان کن که در حوالی شهر ذرع مائی توانند کرد قیصر چون بر جان خود ایمن گشت... بفرمود تا مهندسین با فرهنگ از روم... و مهندسان بعد از آنکه ترازوی آب را برآورد نمود دیدند که بسبب بسیاری رودخانه و شدت جریان آب ساختن شادروان محال و زمین رودخانه را سنگ بست نمودن که دیگر باره عمیق نشود ممکن نیست مگر آنکه آب را اولاً بطرفی دیگر جاری نمایند تا آب از رودخانه منقطع گردد بعد از ساختن زمین رودخانه شادروان باز آب را باین طرف سر دهند و آن رخنه را به بندند رای دانشمندان فرنک و روم باین قرار گرفت که از زیر کوهی که بقعه سید محمد گیاه خوار واقعست و آب رودخانه از زیر آن کوه بطرف غربی شهر جاری بود رخنه نمایند که رودخانه بطرف

جنوب میل نماید و چنان کردند که از زیر کوه مذکور الی بند قیر که دوازده فرسخ کامل است بریدند و آب را بدان طرف سر دادند تا شادروان و بند میزان تمام شد

و هنوز آثار کنند در اطراف رودخانه الی بند قیر نمایان است و این اول خطائی بود از مهندسين و نخستین غدیری از رومیان بایران... بالجمله نوره و گچ را بشیر کوسفند خمیر کرده سنگهای بزرگ که بجر ثقیل بکار می روند دودو بطوق آهنین بیکدیگر بسته از دهنه مافاریان ۱ الی زیریل بیک تراز فرش کردند و بسرب آب کرده رخته های سنگهارا استوار کردند...

و شادروانی بهمین اساس بغرض رودخانه کشیدند بای عظیم بالای شادروان برای سهولت تردد انسان و حیوان در نهایت استواری بساختند... و شادروان بضم دال ابجد سرآورده و فرش منقش و بساط گرانمایه را گویند چون زمین رودخانه را بزبانی از سنک رخام فرش کرده بودند شادروان گفتند و بمعنی جدول و راه و آب هم بنظر آمده است. ۲

واز بس کار برآزار است هر مزدور که یکروز کار کرد روز دیگر طاقت کار کردن نداشت و هرچه اجرت را زیاد می نمودند سودی نبخشید عقلای روم را بخاطر رسید که معجونی مقوی مفرح مرکب از اجزای حیوانی و نباتی برای تحریک کارکنان ترتیب دهند که آن کار بآسانی و صرفه باتمام رسد و عم عالیقدر علامه سید عبدالله طباطبائی بدین نحو نوشته است:

برک گل رخسار یک طبق . گل ششیرک ابرو ، دوشاخه بادام چشم دودانه ، زنبق بینی یک جزو یا قوت رمانی لب دودانه ، پسته خندان دهان یکدانه ، مروارید ناسفته دندان بیست و هشت دانه عنبر اشهب خال لا اقل یک جزو ، ترنج غیب یک جزو ، سنبل الطیب زلف دودسته انارین پستان دودانه ، صدف سینه یک لوحه ، خمیره صندل شکم یک قرص ، نافه مشکین ناف یک جزو ، گل غنچه نار یک جزو ، یاسمن سرین یک بغل ، ماهی سقنقور ساق و ساعد چهار جزو ، قصب الذریره انگشتان بیست عقد ، عناب سر انگشتان بیست دانه ، قند مکرر عشوه آنقدر که اجزا را شیرین کند انتهی کلامه رحمت الله علیه

در خاتمه بچند نکته تذکر داده میشود :

۱ - مرحوم کسروی بند میزان را همان سد گرگرمیداند در حالیکه فعلاعه ای

به سنگفرش محل تقسیم آب بند میزان گویند .

۲ - در مقاله ی سابق الذکر اطلاعات ماهیانه سد گرگر و سد شادروان را اشتباهاً یکی میداند .

۳ - شادروان به بناهایی که در محل تقسیم آب ساخته میشد گفته میشده است

ما پس از تماشای چند آسیاب و کارخانه های برق بند گرگر را ترک کرده و در امتداد رودخانه گرگر بالا رفتیم درینجا چندین دستگاه آبیگری از رودخانه دیده میشد که اساسی شبیه بچاه گاوهای اصفهان داشت با این تفاوت که اولاً اینها آب را از رودخانه میگرفت و ثانیاً روز بروز از عده ی آنها کاسته میشد در حالیکه در اصفهان آب از چاه

گرفته میشود و روز بروز هم بر عده این چاهها افزوده میشود.

در راس جزیره میان آب و شمال شوشتر برج کوچکی ساخته شده و سنگفرش کف رودخانه ازین برج شروع میشود و بعضی ابتدای این سنگفرش را بند میزان می دانند در روی تخته سنگهای مزبور زنان شهری بشتن لباس مشغول بودند در حالیکه اغلب قسمتی از بدنشان دیده میشد از مشاهده ای ایشان بیاد کتاب (دیدنیها و شنیدنیهای ایران) افتادم که مینویسد زنان شوشتری لخت مادرزاد آب تنی می کنند و اگر مردی از جوارشان عبور کند جلو چشمهایشان را گرفته شروع بفحاشی میکنند و رویهمرفته مردم ساده لوحی زود باوری هستند.

از اینجا بدنه شمالی قلعه سلاسل خوب دیده میشد از زیر قلعه کانال معروفی که آب بجزیره میاناب می رساند حفر شده این جوی که بنام داریان خوانده میشود پس از عبور از جزیره نرسیده بند قیر باب گرگر وصل میشود و بطوریکه ذکر شد تمام تشکیلات آبیاری در روی کارون برای اینست که آب وارد این نهر شود. قلعه سلاسل مدتها مقرر حکمرانان خوزستان بوده است ولی فعلا در حال خراب شدن است (عکس روی جلد دست چپ)

گردش در قلعه سلاسل مدتها طول کشید حیاتیهای متعدد دواطاهای تود رتوانسان را بیاد گذشته شوشتر می اندازد هنگامیکه معتمداله (در دوره محمدشاه) برای سرکوبی محمد تقی خان بختیاری بخوزستان آمد لیارد سیاح و سیاستمدار معروف انگلیس به شرح زیر از شوشتر و قلعه مزبور دیدن میکند :

لیارد در شوشتر :

خلاصه عصر پنجم بدون حادثه ای وارد شوشتر شدیم اسفندیار خان با همراهان خود از ترس اینکه مبادا دچار معتمدالدوله بشوند در بلیطی که نزدیک شوشتر است و در کنار آب کرکر واقعت توقف نمودند من با آن دو جوان و الله آنها از پل گذشتیم در قلعه خرابه ای که در قریب آن بود معتمدالدوله منزل داشت. فوراً ما را احضار کرد ما هم بدون معطلی نزد او رفتیم. معتمدالدوله از دیدن این دو جوان خندان و خوشحال شدم دانستم که معتمدالدوله بقسم خود وفا نخواهد کرد و مقصود او اینست که ممد تقی خان را نیز بچنگ آورده و بقصود خود نائل شود.

معتمدالدوله بر روی قائم نشسته تماشای رود کارون را می نمود که از زیر عمارت جریان داشت قشون او در آنطرف رودخانه که دشت کوچکی است چادر زده بودند سواران جعفر قلی خان و علیرضا خان که هر دو از خوانین بختیاری و از دشمنان محمدتقی خان بودند مشغول جنگ بودند و متصل تفنگهای خود را بیکدیگر خالی میکردند.

در بنوقت معتمدالدوله رورا بحانب حسین قلی کرده (پسر محمد تقی خان) با تغییر زیاد گفت چرا پدرت را همراه نیاوردی آیا خیال آمدن شوشتر و دیدن ما را ندارد حسین قلی بدون ترس در حالیکه به تفنگ خود تکیه داشت گفت :

پدرم خیال آمدن شوشتر را ندارد معتمدالدوله اشاره بسرباز و قشون خود کرده گفت آيا ميخواهي اينهارا بفرستم بزودي اورا بياورند حسينقلي دست را بدسته كاردی كه در كمرداشت گذارده گفت اگر تمام قشون خود را بقلعه تل ۱ بفرستی آنها را لغت مينمايند و آنگاه انگشت سبابه را بدهن خود فرو برده بيرون آورد باين معنى چنان لغت نمايند كه بجز پوست بدن آنها چيزی باقى نماند .

معتمدالدوله از جرئت اين پسر خيلى متعجب شده نهايت فرحناكى بدو دست داد بطورى كه ميتوانست از خنده خوددارى نمايد بعد از آن گفت پدر تو اشرفى ندارد جواب داد من كه من اطلاع ندارم سپس گفت تو نيميدانى كجا پنهان نموده اگر ابراز نكنى تو را باقرار مجبور مى نمايم يعنى بتو اذيت مى كنم تا بروز بدهى بدون خوف گفت نيميدانم اگر هم بدانم بتو نمى گويم و اگر هم مجبور شدم كه كشف اين مطلب نمايم پدرم نخواهد گذاشت كه دست شما باو برسد .

معتمدالدوله از گستاخى حسين قلي و اينكه ميتواند ازو تحصيل خبرى نمايد تعجب نمود و بمحمد زمان خان كه يگتن از روساى شوشتر بود فرمود كه من اين پسر ولله اش را بتوسپردم كه كمال مواظبت را ازو بنمائى .

من از شجاعت و گستاخى حسينقلي و بدفطرتى آن خواجه ظالم متعجب شدم و شقاوت او بطورى بوده كه تمام صاحب منصبان اردوى او از اين رفتار او در حق اين دو طفل بى تقصير اورا لعنت مى كردند .

خلاصه آن دو جوان را از اطلاق معتمدالدوله بيرون بردند منهم بعد از چند كلمه سوال و جواب مختصر معتمدالدوله قصد رفتن بقلعه تل نمود تا واقعه را بمحمد تقى خان عرضه دارم بالاينكه راه مغشوش و دزدها مشغول چپاول عابرين بودند من بدون اينكه بكسى ابراز سفر خود را بنمايم كه مبادا مانع رفتن من شوند سوار شده بتاخت و تاز براه افتادم .

مدتى پس از اين جريان محمد تقى را معتمدالدوله بوسائلى در بند ميگند و لياردهم پس از تحمل مشقاتى دوباره بشوشتر آمده با معتمدالدوله ملاقات مى كند اينك شرح اين ملاقات از قول خودش :

بخط مستقيم بخدمت معتمدالدوله رفتم در زير زمينى كه بجهت دفع گرما ساخته بودند در روى صندلى مطلائى نشسته مشغول حكومت و رسيدگى بعيارض بود مرا اذن دخول داد پرسيد از كجا ميائى از آنوقت كه درين ناحيه ترا ديدم تا حال كجا بوده اى گفتم خانواده محمد تقى خان نهايت مهربانى را با من داشتند قدرى اسباب لازمه خود را بانها سپرده بودم بدى بجهت رفتن در كوهها كه آنها را پيدا كرده اسباب خود را بگيرم رفتن و آمدن من طول كشيد شما ميدانيد كه مقصود من فقط سياحت مخروبه هاى قديم است بجهت ناامنى راه بشوشتر آمدم تا بعد از ايمنى بكار خود مشغول شوم دانست كه درين سفر بن صدمه رسيده و اكر من مرده بودم دولت انگليس ايراد از دولت ايران ميگرفت بطور تغيير گفت :

شما فرنگى ها همه وقت خود را داخل ولايات غير ميكنيد و بامورى كه بشما ربطى ندارد مداخله مى كنيد .

انگلیس‌ها خواستند در افغانستان این رفتار را بجای آرند تمام آنها را کشتند حتی يك انگلیسی هم جان بدر نبرد و زندهای انگلیس‌ها اسیر افغانان شدند تمام واقعه کابل را شرح داد پس ازین صحبت یکی از غلامان امر کرد تا مرابزرد سلیمان خان صاحب منصب ارمنی بردند آنگاه گفت ما ذون نیستی از شوشتر خارج شوی اگر رفتی و صدمه دیدی بمن ربطی ندارد. من مسئول دولت انگلیس نیستم.

لیارد از شوشتر خارج شده پس از مسافرتی در عراق دوباره بشوشتر میرود این دفعه محمد تقی خان را در زندان ملاقات می‌کند و بر حال اسفناك او متاثر میشود، سپس بملاقات عیال بزرگ وی خاتون جان خانم و پسرش حسینقلی می‌رود و پیام محمد تقی خانرا بایشان میرساند، وی درینجا از لاغری و بدبختی زنان و بستگان محمد تقی خان شرحی می‌نویسد، از جمله بستگان خان خانمی خواهر خاتون جان خانم بوده است. که لیارد سابقاً او را دیده و خوشگلتترین خانمهای بختیاری شمرده و گویا محمد تقی خان بوی گفته که در صورتیکه وی مسلمان شود خانمی را به عقد وی درخواهد آورد.

لیارد این بار با همه خدا حافظی می‌کند و بار دیگر که بشوشتر بر میگردد وضع خانواده محمد تقی خان از پیش بدتر شده و دریک خانه خرابه درمتهای بدبختی زندگی میکنند و خانمی سابق الذکر در حال بسیار بدی افتاده و در اثر مسافرت از شوشتر بد زفول بامر معتمد الدوله در راه وفات میکند، بالاخره محمد تقی خان و خانواده اش را به تهران می‌برند خان در سال ۱۸۵۱ وفات می‌کند و خانواده او را بفردین می‌فرستند.

در هر صورت قلعه سلاسل که در روزگار گذشته مقر حکمرانان خوزستان بوده فعلاً مدتی است متروک شده و هنگامی که گردش ما در قسمتهای مختلف قلعه پایان رسید در حیاط آن با پسرک گاوچرانی مصادف شدیم که از دست فرماندار شوشتر دل خونی داشت، پسرک از خان حاکم بدگوئی می‌کرد که چرا با بستن حمام خزینه ای بساعت بیکاری و گاوچرانی وی شده است، از قلعه خارج شدیم و برای تماشای پل خراب رود شطیط حرکت کردیم امروز بواسطه خراب شدن این پل عبور و مرور از روی آن انجام نمی‌گیرد و مردم از جسم نقاله ای که شرکت در پائین پل ایجاد کرد استفاده میکنند در حالیکه تعمیر و اتمام این پل خرج چندانی ندارد. هنگامیکه بطرف منزل میرفتیم بدرب خانه ای رسیدیم که جمعیت زیاد در خارج و داخل آن جمع شده بودند پس از پرسش معلوم شد که اینجا منزل یکی از آخرین آغاوات شوشتر است ما با اینکه مشتاق زیارت صاحب خانه بودیم چون وقت دیر و حوالی ظهر بود بطرف منزل فرماندار حرکت کردیم.

گذشته از تاسیسات مزبور که همه برای عمران و آبادی شوشتر ایجاد شده سابقاً بند های دیگری در روی رود کارون شوشتر پیا ساخته بودند که عیناً از روی کتاب تحفه العالم نقل میشود:

.... از آنجمله بالاتر از بند میزان بدو فرسخی شهر بندیت از سنك و ساروج مشهور به بند دختر که دو نهر از طرف رود خانه سبب آن بند جاری بوده است یکی بطرف غرب که آب را بچم محمد علی بیک که یکی از اعزّه بوده است می برد و دیگری بطرف شرق بریگستان عقیلی که از املاک سادات مرعشی است دیگر پایین بند میزان آخر شهر محاذی محله میدان شیخ و دکان شمس بند برج عیار است که بطرف شهر آسیاها و چرخابه های بسیار بآن دایر بود و اثرباغاتی که در آن محله بودند مثل سالم آباد گلایی و بلاگردان و برج عیار همه بان چرخابه ها معمور بودند و در اغلب خانه های آن محله آب روان بود و از طرف صحرا باغات بسیاری بود که از آب این نهر مشجر و خرم بودند .

مثل باغ بلبل و طاش علیا و طاش سفلی و باغ خواجه فیضاله لشکر نویس و لفظ برج عیار نام خشلی است که از طلا و جواهر سازند و زنان در پیش سر بندند .
گویند زنی از اهل خیر برج عیار خود را فروخت و مردانه وار شروع بساختن این بند نمود بعد از آن مردم دیگر از اختیار تعصباً کمک کردند تا باتمام رسید و بنام آن زن و بالاخره بنام آن غسل موسوم گردید ..

... دیگر پایین تر در یک فرسخی شهر بندیت از سنك خارخدا آفرین مشهور بیند ماهی خواران که صیادان در آنجا شکار ماهی می کنند و در اطراف آن آثار چرخابه ها نمایانند و آسیا ها تا حال هستند

... دیگر در هفت فرسخی شهر بندیت مشهور به بند داوا ... و کشتیهاییکه از بصره خرما و اجناس دیگر می آورند تا بند دارامی آیند و از آنجا براسترو گاو بشوشتن میرسانند و قریه ای که در آنقرب واقعت حسام گویند .

روز عید در شوشتر

بعد از ظهر از صدای ملایم نی که با آهنگ مخصوصی نواخته میشد بیدار شدیم صدای موسیقی از کنار رودخانه می آمد همینکه از روی ایوان بتماشای کنار رودخانه مشغول شدیم دیدیم که بجای زنان رختشور صبح عده ای زن و مرد برای گردش آمده اند و در گوشه ای نیز با چند خیک و مقداری چوب بساختن کلک مشغول بودند که بوسیله آن چند روزی روی شط گردش کنند و در گوشه ای یکنفر بنواختن نی مشغول بود .



کلک یاساده ترین وسیله عبور از آب همینکه از علت آن جویا شدیم گفتند چند روز پیش يك زن در بالای پل بلیتی در آب فرو رفته و چون مطمئناً تا کنون مرده است میخواهند کاری کنند که جسد او از زیر آب خارج و بروی آب بیاید (۱)

پیش نیز کارون دارای عمق فعلی نبوده و آب باطراف مسلط بوده است پس افسانه های مسطوره در کتب مختلف چندان قابل اعتماد نخواهد بود و بدون شك این منطقه ممتاز قرنهایست که مرکز جمعیت شده دارای ساکنینی بوده است .

اسم شوشتر از شوش گرفته شده و چنانکه میدانیم شوش در کنار رود کرخه و مغرب شوشتر فعلی قرار داشته و دارد شاید شوشتر جانشین شوش قدیم شده از طرفی نیز در ابتدای سلسله های بختیاری و حوالی مال امیر فعلی خرابه های آبادی بنام (شوش ، سوس ، سوسن) وجود دارد و شاید اسم شوشتر از این آبادی که متعلق بدوره های پیش از اسلام است مشتق شده باشد فعلا قدیمترین آثار شوشتر بطوریکه ذکر شد متعلق بدوره ساسانیان است و شاید بعداً آثار دیگری از دوره های قدیم تر بدست آید .

در کتاب تحفه العالم بنای شوشتر را بهوشنگ نسبت میدهد و مینویسد هنگامیکه شوشتر را میساختند روزی پادشاه در حوالی شهر بود ناگاه یکی از سباع که بامردم شهر رام بود از شهر خارج شده پاره گوشتی بدهان گرفت و وارد شهر شد و شروع بخوردن کرد .

این موضوع را علما دلیل بر آن دانسته اند که مردم شوشتر در آینده از لحاظ منابع معیشت و خوار بار محتاج خارج خواهند بود .

مؤلف کتاب پس از ذکر این موضوع و بیان حمدالله متوفی در تأیید آن در مقام دفاع برآمده شوشتر را شهری پر خیر و برکت و آباد می شمرد و عقیده دارد که شهرهای جهان هر یک بدلیلی آباد و پر جمعیت شده اند و شوشتر بهیچوجه استعداد آبادی بیش از این را ندارد (کتاب تحفه العالم چاپ هند صفحات ۵۴ و ۵) و در جای دیگر در باره شوشتر چنین مینویسد :

و کیانیان را بعمارت شوشتر التفاتی بود چون آب کرن بکار زراعت نمی آمد قنوات بسیاری از کلو کرد احداث نمود که آب آنها بدوقریه ی بعید شوشتر کنوند و جویند میرسید و مزارعان بآب آن قنوات در آن قری زراعت صیفی بعمل می آوردند و در حوالی شهر باغ و بوستان نبود و رودخانه از حوالی شهر تخمیناً نیم فرسخ دور بود و مردم قری و قوافل بکشتی از رودخانه عبور مینمود و باین سبب زحمت بسیاری میکشیدند تا اینکه دارای اکبر شهرداریان را ابتداء نموده فرصت اتمام نیافت دارا با تمام آن کوشید و آب از میان شهر بصخرای عسکر جاری ساخت و این قبل از ظهور اسکندر ذوالقرنین بوده است و در آن ایام بنحویکه احوال آن شهر را نوشته اند از تمامی بلدان عراق و فارس ممتاز بوده است تا اینکه بمرو د هور رودخانه عقیق و آب از نهر منقطع گردید و باین سبب مزارع فاریابی موقوف و آن قنوات هم بایر گردیدند و کسی بحال آنها التفات ننمود قحط و غلامتولی شده سکنه متفرق گردیدند احدی از ایشان باقی نماند و سالهای دراز بدین منوال خراب و ویران بود حتی یحیی الارض بعد موتها و

و در شوشتر در اغلب از سنه که به بی‌آبی گذشته و می‌گذرد نرخ غلات گران و اطعمه کمیاب و مدار زراعات بیاران که در اکثر سنین نیز خشکسالی است و قوت مردم منحصر است بآنچه از بلاد قریبه بآنجا حمل نمایند مانند خرما از بصره و برنج از حویزه ورام هرمز و گندم و جو از دزفول و بختیاری و اگر آبی بهرسد که ذرع مائی توانند کرد گندم و برنج و سایر حبوبات نیکو بعمل آید و در زراعات یرکت و ربیع بسیار است و زمین آنجا بحدی سبع است که یک کاشختم توان کرد و فواکه مثل انگور... ۱۲ و ۱۱ تحفه العالم چاپ‌هند .

بعقیده اغلب نویسندگان شوشتر در دوره هخامنشیان و اشکانیان آباد بوده است ولی برای اثبات این مدعا دلیلی در دست نیست و از اوایل دوره ساسانیان است که آبادی شوشتر آغاز میشود .

بطوریکه ذکر شد اردشیر شروع بعملیاتی برای آبیاری شوشتر نمود و پس از وی پسرش شاپور کارهای او را باتمام رسانید . موضوع جالب توجه اینست که در اغلب کتب قدیمی بجای شاپور اول شاپور ذوالاکناف ذکر کرده اند در هر حال عده زیادی از رومیان بعنوان اسیر برای اتمام این ساختمانها بشوشتر آمدند و پس از اتمام این بنا ها عده‌ای بروم برگشتند و عده‌ای در شوشتر ماندند ، گو اینکه در کتاب (دیدنیها و شنیدنیهای ایران) ذکر میکند که درخوزستان از نژاد رومیان قدیم افرادی یافت میشوند ولی نویسنده برای این ادعا دلیلی در دست ندارد و شایسته است که بعدا باتحقیقات عمیق تری از روی زبان و آداب و رسوم در باره این قضیه مطالعه شود نویسندگان قدیم نیز در کتب خود آورده اند که از یادگارهای رومیان چند چیز در شوشتر برجسای مانده است .

اولا دیبای شوشتری که بعنوان بهترین پارچه در دنیای آنروز بازار داشته است و حتی از ظرافت و لطافت مورد توجه شعرا بوده است بطوریکه عبدالواسع جبلی در مدح سلطان عبدالصمد گوید :

گوید در آفرین تو هرروز مدحتی آراسته بگونه دیبای شوشتری

ولی بتدریج بافت این پارچه ظریف در شوشتر و سراسر خوزستان متروک شد ثانیاً معدن نقره است که بعقیده صاحب تحفه العالم رومیان در چشمه آب گرم در دو فرسنگی شوشتر بدست آورده بودند و طرز استخراج آنرا نیز فقط خودشان میدانستند و امتیازش مخصوص رومیان بود^۱

همینطور دولاب رومی که بوسیله آن بدون کمک آدم یا حیوان از چاه یارودخانه

۱ - فعلا در حوالی شوشتر محلی بنام آب گرم وجود دارد که شرکت نیز در آن چاه زده باستخراج نفت مشغول است .

میتوان آب کشید ، و گویا تا مدتی پیش نیز در شوشتر وجود داشته است ولی فعلاییزی درین شهر دیده نمیشود .

بالاخره آتش بازی است در شب اول تشرین اول که رومی ها بآن علاقه تام داشتند و بعقیده صاحب تحفه العالم آتش بازی ایرانی ها در شب اول فروردین از ایشان تقلید شده است .

در هر حال شوشتر پس از تعمیر خرابیهای آن در اوایل دوره ساسانیان رو بآبادی نهاد و یکی از بزرگترین شهرهای خوزستان شد و در ضمن یکی از مراکز مهم عیسویت شد . بطوریکه مقر اسقف نستوریهها مدتها در شوشتر بود همینطور عده ای چرکس که ابتدا بعنوان ساخلو در اطراف شهر بوده اند وارد شهر شده با جمعیت بومی مخلوط شده اند .

شوشتر در اوایل ظهور اسلام

در دوره ساسانیان در شمال غربی شوشتر فعلی و شمال خوزستان شهری بنام جندی شاپور ایجاد شد و رو بترقی نهاد که متأسفانه امروز از بین رفته است^۱ شوشتر در قرن پنجم با همه ترقی نمیتوانست با جندی شاپور رقابت کند و ناچار تحت الشعاع این شهرستان آباد بود .

هنگامیکه لشکر اسلام بطرف ایران پیشرفت میکرد دزد گرد سردار معروف ایرانی بنام هرمان را بحکومت شوشتر فرستاد و پس از چندی هرمان بسرداری لشکر اسلام برگزیده شد و داستان وی و اسیر شدنش در اغلب تواریخ نوشته شده است

پس از ورود مسلمانان بخوزستان خواهی نخواهی شوشتر نیز مورد حمله قرار گرفت و ایرانیان درینجا حمله ای بکار زدند یعنی مقدار زیادی خارهای سه پهلوی آهنی ساخته و در معبر ایشان ریختند بطوریکه فتح شوشتر برای مسلمانان غیر مقدور شد ، معروف است که شخصی بنام پیر بلدی که مقبره وی در شوشتر است سپاه اسلام را تا پشت دروازه و کنار پل رسانید و شهر پس از سه روز محاصره بدعای براء بن مالک گشوده شد^۲

براء بن مالک که بدین ترتیب خدمتی بزرگ بمسلمانان کرد هشتاد زخم برداشت و قبر وی فعلاً در شوشتر و محله شاهزید وجود دارد^۳

در باره فتح شوشتر روایت دیگری نیز بشرح زیر وجود دارد :

فرماندار شوشتر در اوان ظهور اسلام هرمان سردار نامی ایران بود و وی توانست مدتها در برابر سپاه اسلام مقاومت کند و در مدت ششماهگی که شهر در محاصره بود هشتاد و چهار جنگ بین دودسته اتفاق افتاد و بالاخره در اثر خیانت یکی از اهالی شهری که مسلمانان از گرفتنش مأیوس شده بودند تصرف شد و شهر سقوط کرد^۴

۱ - خرابه های جندی شاپور در ۱۵ کیلومتری جنوب جاده بین شوشتر و دزفول است

۲ - ۳ تحفه العالم چاپ هند ص ۳۹ ، ۴۰ ، ۴۱

۴ - شهرهای نامی ایران لورنس لوکارت

پس از مدتی شوشتر از مراکز امپراتوری اسلام شد و بالاخره بواسطه موقعیت ممتازش مرکز تجمع ناراضیان خلفای اموی شد و شیب خارجی مرکز خود را درین شهر قرار داد و دیری نپایید که حجاج بن یوسف سردار خونخوار عرب مأمور فتح شوشتر شد.

و بطوریکه در اغلب کتب ملاحظه میشود در زدوخوردهای بین الانین حجاج فاتح و امر بخراب کردن پل شطیط داد و این شهر مدتها از مراکز بزرگ اسلام بود درادوار بعدی نیز همیشه شوشتر از مراکز بزرگ کشاورزی شمرده میشد و بخصوص در دوره سلجوقیان که توجه بیشتری بکشاورزی و آبادانی میشد شوشتر مورد توجه بود و ما برای اینکه باختصار نظری بگذشته شوشتر کرده باشیم از ذکر وقایع این ادوار خودداری میکنم.

شوشتر در دوره صفویه زندیه قاجاریه

خوزستان مقارن سلطنت صفویان در ایران بدست خاندان مشعشی حویزه افتاده بود ولی سلاطین مزبور نواحی شرقی خوزستان را ضمیمه قلمرو خود ساخته از جانب خود حکمران میفرستادند اما نواحی غربی کماکان در دست مشعشیان بود.

معروفترین حکمرانان شوشتر در دوره صفوی و اخشتو خان است که در سال ۱۰۴۲ به حکمرانی خوزستان آمد و بطوریکه ذکر شد در دوره پسرش فتعلیخان اقداماتی برای آبادی شوشتر بعمل آمد و ما بتفصیل این مطالب را ذکر کرده ایم ولی با وجود این که صفویه در تمام ایران با قدرت کامل سلطنت میکردند خاندان مشعشی دارای استقلال بودند و ما خوانندگان گرامی را برای مطالعه تاریخ این خانواده بخواندن کتاب مشعشیان مرحوم کسروی توصیه میکنیم.

در اواخر دوره صفویه و زمان سلطنت طهماسب دوم بار دیگر یکی از افراد خاندان واخشتو خان را بحکمرانی شوشتر برگزیدند

نادر شاه در شوشتر

نادر در سال ۱۱۴۲ عازم خوزستان شد و یکایک شهرهای خوزستان را دیده به شوشتر آمد و درین شهر عدهای از روسای عشایر عرب را توقیف و به خراسان فرستاد. از کارکارهای بزرگ نادر درین مسافرت بستن بند میزان بود نادر ابوالفتح خان از نواده های واخشتو خان را حکمرانی شوشتر داد ولی وی پس از مراجعت نادر و طغیان محمدخان بلوچ بنادر یاغی شد و مردم شوشتر نیز برخلاف دزفولی ها ایشان را بشوشتر وارد کردند.

نادر چندین دسته مختلف را برای سرکوبی ایشان فرستاده خود وارد خوزستان شد و پس از اتمام حجت به ابوالفتح خان و مردم شوشتر وارد شهر شده امر بغارت شهر

داد و ابوالفتح خان را اسیر نمود و نجف سلطان نامی از همراهان خود را بحکومت شوشتر گذاشت.

شوشتر در دوره کریمخان زند

درین دوره آشوب و انقلاب شوشتر نیز از خرابی ایمن نبود و علاوه بر انقلابات داخلی خشکسالی های متعددی نیز درخوزستان بوقوع پیوست بند میزان هم که از مدتی پیش شکسته بود ازینرو خرابی شوشتر از این اوقات آغاز گردید.

کریم خان زند برای سرکوبی کعبیان و آرام ساختن خوزستان لشکرکشی کرد ولی بدون جنگ وارد شوشتر شد و چون ماه رمضان وعید نوروز بود و کیل عید فطر و جشن نوروز را در شوشتر گذراند.

زکی خان سردار معروف کریم خان که بر ولی نعمت خود یاغی شده بود بشوشتر رفت ولی کاری از پیش نبرد و بعد از روز به طویله شاهی پناهنده شد و مورد بخشش قرار گرفت.

شوشتر در دوره قاجاریه

در اوایل سلطنت این خاندان خوزستان در دست حکمرانان محلی بود و شوشتر و دزفول در دست آن کثیر و در دوره سلطنت فتحعلیشاه خوزستان بدو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم گردید و ازین لحاظ است که بعدها بقسمت جنوبی عربستان اطلاق گردید. قسمت شمالی ضمیمه ایران غربی و جزو قلمرو دولت شاه بود و بخش جنوبی ضمیمه فارس گردید.

درین دوره است که بند میزان توسط عمال دولت شاه دوباره بسته میشود.

سیاحان خارجی درخوزستان

از زمان فتحعلیشاه بیعدایران در سیاست بین المللی وارد شد و اروپائیه که تاکنون در خلیج فارس دارای نفوذ بودند بفکر توسعه قلمرو خود در داخله ایران افتادند نخستین اقدام ایشان برای ایجاد و ادامه این نفوذ ورود سیاستمدارانی بود که بنام سیاح درنواحی مختلف ایران بخصوص خوزستان و بختیاری بگردش پرداختند ظاهراً هدف این عده گردش و مطالعات جغرافیائی، کشف آثار قدیمی یا طبابت بود ولی شکی نیست که مقصود اصلی ایشان نفوذ در بین مردم این نواحی و حتی تحریک ایشان برضد دولت بود.

یکی ازین اشخاص بارون دوبود است که ترجمه کتاب او (سیاحتنامه بارن دوبود) ضمن تاریخ بختیاری چاپ شده است و پس از ویلارد انگلیسی که باز هم درخصوص او مطالبی ذکر خواهیم کرد.

آمدن وبا و فتحعلیشاه بخوزستان

آمدن وبا بخوزستان را سابقاً ذکر کردیم و دیدیم که پس از شیوع وبا در شوشتر

عده زیادی از مردم این شهر کشته شدند و در حدود ده سال پس ازین اتفاق شوم فتحعلیشاه از راه فارس و بهبهان بخوزستان آمد و از شوشتر نیز دیدن کرد ولی کاری انجام نداده از راه لرستان به تهران رفت و دو سال پس ازین مسافرت بود که طاعونی نیز در شوشتر بروز کرد و عده زیادی را ازین برد.

در همین اوقات لیارد در بختیاری سیاحت میکرد و بطوریکه ذکر شد مردم عقیده داشتند که طلسم وبا و طاعون را ایشان از خوزستان برده اند در حالیکه لیارد در خرابه های شوش یا سوسن واقعه در خاک بختیاری کاوش می کرد و مدتی پس ازین تاریخ بامحمد تقی خان چهارلنگ ملاقات کرده او را در مقاومت برضد قوای شاه و طغیان تشجیع میکرد سرکشی محمد تقی خان مصادف بود با حکومت اسدالله میرزا پسر دولت شاه در شوشتر و پس از مدت کوتاهی شوشتر را محمد تقی خان تصرف کرد و فتحعلیشاه نیز که برای ازین بردن وی باصفهان آمده بود در اصفهان وفات یافت^۱

جنوب ایران در دست محمد تقی خان و مشاورش لیارد

سردار بختیاری که لیارد او را در کتاب خود مردی شجاع معرفی میکند و شیرافکنش میخواند پس از مدت کوتاهی بر سر اسر خوزستان و فارس و بروجرد مسلط شد بخصوص که درین اوقات بحرانی پسران فتحعلیشاه نیز زیر بار حکومت محمدشاه نمی رفتند ، بهرام میرزا برادر کوچک محمد شاه بحکمرانی خوزستان برگزیده شد و جداً تصمیم گرفت کار محمد تقی را یکسره کند این اوقات مصادف بود با کشمکشهای ایران و انگلیس بر سر هرات و ماژور راوولینسن سیاح انگلیسی در خدمت بهرام میرزا بود ، شاهزاده پس از تهیه سپاه و لشکر کشی مفصلی توانست سردار یاغی بختیاری را مغلوب سازد ولی ایندفعه نیز ماژور واسطه شد و آشتی بین الاثنین برقرار شد^۲ محمد شاه این بار برادر خود سلطان مراد میرزا را روانه بختیاری کرد که کار محمد تقی خان را یکسره کند زیرا که وی پس از مصالحه با زهم دست از یاغیگری برنداشته بود .

محمد تقی خان بالاخره توسط سلطان مراد میرزا و منوچهر خان معتمدالدوله دستگیر شد موضوع جالب توجه اینست که قیام این مرد در موقعی بود که بر سر قضیه هرات بین ایران و انگلیس اختلاف موجود و صلاح درین بود که فکر دربار ایران در داخله مشغول باشد بالاخره در اوایل دوره ناصرالدینشاه که محمد تقی خان و اتباعش از خوزستان مطرود شده بودند عده دیگری از رؤسای عشایر سر بطغیان برداشتند که توسط اردشیر میرزا عموی شاه منکوب شدند و پس از این واقعه بود که رسماً قوای انگلیس بایران

۱- ناسخ التواریخ ، سیاحتنامه بارن دو بود : سفرنامه لیارد .

۲- مرحوم کسروی عقیده دارد که درین مورد نیز راوولینسن مانع شد که کار محمد تقی خان

یکسره شود .

حمله برد ولی پس از سال ۱۲۷۳ که قضیه هرات خاتمه یافت دیگر درخوزستان آرامش برقرار شد و حکومت خوزستان به رجال پایتخت و اداره آن به شیوخ مختلف سپرده گردید و ازینسالها بود که سلاطین قاجار برای برقراری نظم درخوزستان پادگانهای درین ایالت برقرار ساختند از حمله درشوشتر يك فوج سرباز با پانزده شانزده توپ گذاردند ، خوزستان شمالی قلمرو ایلات بختیاری شد و جنوب خوزستان را به رؤسای خاندان کعب که تابعال امتحان وفاداری داده بودند سپردند زیرا که خوزستان درین اوقات ضمیمه قلمرو ظل السلطان بود وحسینقلی خان ایلخانی هر عملی را برای تهیه پول انجام میداد .

حسینقلی خان نظام السلطنه درخوزستان

در اواخر قرن سیزدهم حاج نجم الملك منجم باشی از طرف ناصرالدین شاه به خوزستان آمد ، درین موقع شاه بفکرخوزستان بود وتصمیم داشت که تاسیسات آبیاری خوزستان را از نو احیا کند حاج نجم الملك در سفرنامه خود نتیجه عملیات و نظریات خود را در رساله ای که هنوز هم چاپ نشده نوشته مراجعت کرد ۱



مرحوم حسینقلی خان
نظام السلطنه مافی

در سال ۱۳۰۵ شاهزاده ظل السلطان حسینقلی خان نظام السلطنه را بحکومت بختیاری و عربستان نامزد کرد و علت این امر نیز این بود که ایلخانی سابق الذکر را چند سال پیش در اصفهان کشته بود و ناچارمرد مدبری را میبایست روانه خوزستان و یا بعبارت دیگر غربستان کند .

درین اوقات باز خوزستان مرکز فعالیت

علمی سیاحان انگلیسی بود در سال دوم حکومت نظام السلطنه لرد کرزن وارد ایران گردید وبوسیله کشتی از روی کارون به شوشتر رفت ودر قلمه سلاسل خدمت نظام السلطنه رسیده و در هر حال از وضع آنروزی خوزستان انتقاد نمیکند ۲

مقارن این اوقات طنفلید رئیس شرکت لنج توسط مستخدمش مجروح میشود و نظام السلطنه از هر لحاظ جانب حق و عدالت را رعایت میکند و همینکه سرپرسی سایکسن بایران می آید از قبول درخواستهای وی خودداری میکند بطوریکه سیاح نامبرده

۱- سفرنامه حاج نجم الملك بخوزستان ، تاریخ پانصد ساله کشوری .
۲ - ایران ومسئله ایران تالیف لرد کرزن و ترجمه مختصر آن بنام (جهانگردی در ایران)

باعدم رضایت شوشتر را ترك ميكويد۱

در هر حال نظام السلطنه از لایق ترین و کارآمدترین مأمورینی است که در دوره قاجاریه بخوزستان فرستاده شده و آثار خیر این مرد که بعدها و در دوره مشروطیت بصدر اعظمی ایران رسیده هنوز مشهود و در اغلب کتب منعکس است از جمله د قلعه سلاسل که مقر حکمرانی وی بوده است شوادانی ساخته است که کمیته ای بشرح زیر دارد :

ایجاد این شوادان را حسین قلی خان نظام السلطنه از عین مال حلال خود محض رضای خدا و حفظ نفوس دنیائی حبس کرد خدا لعنت کند پدر و مادر مأمورین دولت را که در حفظ این شوادان از کتافات ضغیره و کبیره در تنظیف و تعمیر آن ... غفلت ... قسمتی از کمیته محو شده .

دوره حکومت نظام السلطنه در خوزستان فقط سه سال بود و بعلمی بتهران احضار شد یا خود تقاضای انفصال نمود ۲ ولی بار دیگر در سال ۱۳۱۲ بحکمرانی خوزستان و بختیاری نامزد شد و تا سال ۱۳۱۴ درین مقام باقی بود ازین بیعد دوره وزارت و صدارت نظام السلطنه آغاز میشود .

شوشتر درید قدرت آغاوات

نظام السلطنه علاوه بر همه کارهایش سعی در معیر پل شوشتر کرد ولی متأسفانه نتیجه ای عاید نشد در اوایل دوره مظفرالدین شاه شمال خوزستان تیول بختیاری ها و جنوب آن در تصرف رؤسای بنی کعب بود و دو دستگی که در شوشتر از قدیم وجود داشت درین اوقات شدت کرد نعمتی ها که طرفدار خاندان کلانتر بودند در محله دستوانه زندگی می کردند و حیدری ها که اتباع دودمان مرعشی بودند در محله کرکر بسر میبردند این اوقات مصادف بود با انقلابات مشروطیت در ایران و گرفتن امتیاز نفت از مظفرالدین شاه این زمان بدترین و سوزناکترین اوقات زندگی مردم شوشتر بود و هیچ حکمرانی قدرت جلوگیری از عملیات و حشیانه آغاوات را نداشت بخصوص که ضعف دولت مرکزی نیز بمنتها درجه رسیده بود تا اینکه جنک بین الملل آغاز شد در دوره جنک انگلیسها سپاه وارد خوزستان کردند و شیخ خزعل کاملاً دست نشانده ایشان شد مرکز سپاه انگلیس در امانیه (حوالی اهواز) بود ۳

۱ - هشت سال در ایران تألیف سرپرستی سایکس ترجمه سعادت نوری و مقاله ای از مجله یادگار شماره ۲ سال ۳ حاوی شرح حال مختصر آن مرحوم بقلم خودش
۲ - یادداشت های مرحوم نظام السلطنه در مجله یادگار سال ۳ شماره ۳ ، هشت سال در ایران ، ناسخ التواریخ

۳ - اهواز خیلی قدیمی است و در دوره نظام السلطنه که مرکز خوزستان شوشتر بود باین شهر متوجه شد و بندر ناصری در محل اهواز قدیم ایجاد گردید .

دوره تسلط انگلیسها به شوشتر

یکی از مخالفین جدی آغاوات سید عبدالله امام بود که در دوره مشروطیت آغاوات از هر زجری نسبت بوی خودداری نکردند، معروفست که در اثر این اوضاع خانواده آب آب (او او) در کنسولگری اهواز بست نشستند زیرا قدرت خانواده کلانتر بحدی رسیده بود که رئیسشان در روز روشن بحمام زنانه میرفت و کسی جرئت اعتراض نداشت.

در هر صورت یا بتقاضای مردم و یا بدستور لندن گرن هوس رئیس شرکت نفت در تهران بشوشتر آمد و در حقیقت حکمران این نواحی شد و میرزا عبدالله مستوفی معاون وی گردید مردم شوشتر با اینکه کارها منظم شد حاضر بقبول این وضع نشدند و از جمله آقا شیخ مرتضی مجتهد بمخالفت انگلیسها برخاست ولی ابتدا او را باصفهان تبعید و سپس ترور کردند ۲

گرن هوس قشونی از بختیارها ترتیب داد و فرماندهی آنها را به شخصی بنام آقا یگدست داد ولی موقعیکه برای سرکشی بذرفول رفته بود آغاوات بشهر ریخته پس از قتل و غارت مفصلی آسید عبدالله امام رئیس عدلیه شوشتر را کشتند در نتیجه اقدامات حکمران ۲۴ ساعت بعد در حدود ۲۰ هزار نفر هندی وارد شهر شدند و در هر خانه ای یک هندی سکنی گزید در نتیجه قاتلین امام را که از خاندان کلانتر بودند دستگیر و بدار زده تیرباران کردند و سید باقر کلانتر رئیس خاندان را به سنگاپور که مرکز تبعید عراقیها بود فرستادند مدت تبعید وی چهار سال بود انگلیسها حاج ملاعلی بوشهری واعظ را بریاست عدلیه انتخاب کردند ازین بیعدکارهای این دوشهر (دزفول و شوشتر) توسط ویس قیسولهای انگلیس اداره میشد که در حقیقت حکمران شهر بودند.

پس ازین جریانات اولین حکمرانی که از تهران بشوشتر فرستاده شد مؤیدالدوله و پس از وی مشارالدوله بود که در اثر قدرت علمای شوشتر و دزفول کاری از پیش نبردند زیرا که محرک ایشان شیخ خزعل بود و دولت قادر بجلوگیری از توسعه قدرت روزافزون شیخ نبود.

مسافرت سردار سپه بخوزستان، پایان قدرت خزعل و انضمام خوزستان

بایران سردار سپه که پس از مدت کوتاهی توانسته بود در اغلب نواحی ایران امنیت برقرار کند در سال ۱۳۴۲ دیست نفرسرباز از راه بختیاری به شوشتر فرستاد متأسفانه این عده

۱ - پسر برادرش آسید نورالدین امام کنایی در باره خوزستان نوشته که هنوز

چاپ نشده

۲ - بیانات شفاهی آقا سید جلال جزایری تاریخ کسروی

۳ - ولی دولت ایران اقدام کرده او را بایران برگردانید در حالیکه وی از دشمنان

دولت ایران شده بود

بکلی از بین رفتند یعنی ایشان را در کوههای بختیاری قطعه قطعه کردند ولی در ۱۳۴۲ دوستان نفر دیگر بفرماندهی سرهنگ باقرخان از همان راه بشوشر رسیدند و این ضربت بزرگی بود که بر قدرت بی پایان شیخ خزعل وارد آمد ، جریان مسافرت سردار سپه بخوزستان و نافرمانی شیخ خزعل و تسلیم وی از بحث ما خارج است همیشه ذکر میشود که چند سالی بازهم شوشر مرکز خوزستان بود و بالاخره شهر و بندر ناصری را بنام اهواز مرکز خوزستان قرار دادند .

متأسفانه درین جریانات نیز با اینکه امنیت کامل درخوزستان برقرار گردید شوشر از نظرها افتاد و با پیدا شدن کار در جنوب خوزستان مردم ازین شهر قدیمی شروع به مهاجرت کردند ، در اواخر دوره سلطنت شاهنشاه ققید اقداماتی برای آبیاری و آبادی خوزستان بعمل آمد ولی با حادثه شوم شهریور ۱۳۲۰ این اقدامات متوقف ماند .
در اینجا بسخن خود خاتمه میدهیم با این امید که روزی برای نجات خوزستان از وضع فعلی اقداماتی بعمل آید و در مقابل جهل و فتر شدید مردم این سامان که طبیعت بی‌هترین و جعی آنرا پر برکت آفریده کارهایی صورت گیرد ، اقدامات سازمان برنامه نیز شروع شده ...
در انتظار آینده ...

منابع

برای تهیه این مختصر از منابع زیر استفاده شده:

- ۱ - بیانات شفاهی عده‌ای از دوستان و مطلعین از جمله آقای سید جلال جزایری
- ۲ - کتب خطی : نزهة القلوب خطی ، مجالس المؤمنین خطی ، نسخه اصلی ترجمه ایران و مسئله ایران ارد کرزن
- ۳ - کتاب های کسروی از جمله تاریخ پانصد ساله خوزستان
- ۴ - ناسخ التواریخ مجلدات قاجاریه ، تاریخ بختیاری ، سفر نامه بارن دوبد هشت سال در ایران سر پرسی سایکس
- ۵ - سفرنامه لیارد ، شهرهای نامی ایران ایران تألیف دکتر لوکهارت
- ۶ - مسالك الممالك ابن حوقل واسطخری ، تحفه العالم ، جهانگردی در ایران ترجمه از آثار ارد کرزن
- ۷ - مجله یادگار سال ۲ شماره ۳ - مجله اطلاعات ماهانه سال ۱ شماره ۲
- ۸ - مشاهدات شخصی در مسافرت شوشر

مهر ماه ۱۳۲۸



نفت

یا

گران‌بها‌ترین ثروت ملی ما

لوله‌های نفت در خوزستان شمالی

نفت چیز تازه‌ای نیست، از زمان‌های بسیار قدیم ساکنین نواحی شمالی خوزستان و بین النهرین نفت را می‌شناختند و برای روشنائی و معالجه زخم شتر از آن استفاده می‌کردند، هر دوت مورخ معروف یونان که در قرن پنجم پیش از میلاد زندگی می‌کرد باین نکته اشاره کرده است، طرز گرفتن نفت نیز خیلی ساده و بدوی بوده مردم نفت را که در چاله‌ها جمع می‌شد می‌گرفته‌اند و بعضی اوقات مقداری پارچه درین گودال‌ها می‌ریختند همینکه نفت را بخود می‌کشید آنرا بر داشته پس از فشردن از نفتش استفاده می‌کردند از معدن نفت سفید واقع در شمال شرقی خوزستان از قرن‌ها پیش نفت چراغ استخراج می‌شد، در هر حال اگر نفت زیاد قدیمی نباشد قیر و مومیایی خیلی قدیمی است و استعمال قیر برای ساختن کشتی و ساختمان از چهار هزار سال پیش معمول بوده است و همانطور که امروز در مناطق نفت خیز هزاران شعله گاز نفت در حال اشتعال است آنروزها هم صدها آتشکده یا شعله نفت و مواد آن روشن میشده

ولی نفت و ارزش امروزی آن با نفتی که قدما می‌شناختند و از آن استفاده می‌کردند قابل مقایسه نیست، صنعت جدید که از مواد مرلند انرژی بجای بازوی بشری استفاده می‌کند بمواد مولد حرارت احتیاج دارد از زمانی که انقلاب صنعتی انگلیس تحول عظیمی در صنعت ایجاد کرد توجه همه بطرف زغال سنگ معطوف گردید و سال‌ها زغال سنگ درین باره مقام اول را داشت ولی همینکه صاحبان کارخانجات و ارباب صنعت شروع با استفاده از نفت بجای زغال کردند ترقی نفت آغاز شد و امروز با اینکه نفت از لحاظ مقدار کمتر مصرف دارد از لحاظ ارزش حیاتی مرتبه اول را بین مواد مولد انرژی حائز شده ۱

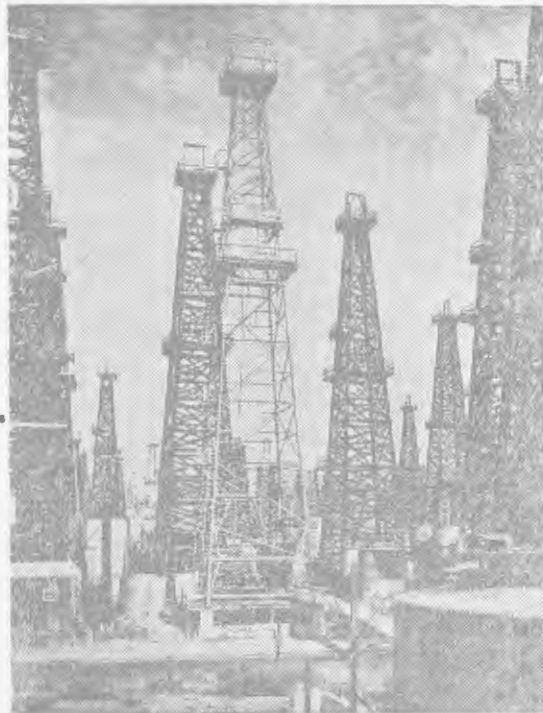
۱ - امروزه شصت درصد ماشین آلات موجود در جهان بوسیله زغال سنگ سی درصد بوسیله نفت و ده درصد آن بوسیله زغال سفید بحرکت در می‌آیند از مقاله (ترقی نفت) بقلم

۱۰ ل - ب فیلیپس ۱۳ اوت ۱۹۴۸

در آمریکا استخراج نفت بطریق عملی آغاز گردید و بزودی سرمایه های بزرگی برای استخراج و تصفیه و حمل و نقل نفت بکار افتاد

سیاستمداران و مهاجرین اروپائی با شامه تیز اقتصادی خود در جستجوی این ماده حیاتی بر آمدند خیلی زود معلوم شد که خاور میانه از مرا گزمهم نفت خیز جهان است ، انگلستان که دارای منابع زغال سنگ بسیاری است بکلی فاقد نفت می باشد و آمریکا که دارای نفت و زغال محدود فور است سالیانه ده درصد از ذخیره نفت کشور خود را استخراج می کند از این رو در درجه اول انگلستان و پس از آن امریکامتوجه خاور میانه شدند

با وجود این علاقه شدید بنفت خاور میانه امروز سالیانه فقط ۲ درصد از



نمونه ای از مراکز استخراج نفت در آمریکا

از معادن آن استخراج میشود و بناست در سال ۱۹۵۱ این مقدار دو برابر شود و پس از آن تاریخ بازهم افزایش یابد ، بایک مقایسه ساده بین معادن نفت ایران و معادن نفت امریکا این حقیقت بخوبی واضح میشود که در ایران چه منابع سرشاری وجود دارد ، در امریکاتعدادچاههای واقعه دریک منطقه محدود فوق العاده زیاد و نزدیک بهم است درحالی

که مثلا چاههای نفت مسجد سلیمان خیلی محدود و بفاصله زیاد از هم ایجاد شده در امریکا چاههای خشک شده یا چاههایی که اصولا بنفت نرسیده زیاد است در صورتی که در ایران چاههایی وجود دارد که قبل از اتمام نقشان مسدود و متروک شده اند، ولی با این اوصاف شرکت های استخراج کننده ی نفت با حرص و ولع عجیبی باز دیاد محصول خود پرداخته اند محصول شرکت نفت ایران و انگلیس در ۱۹۴۱ در حدود شش میلیون تن بود هفت سال بعد یعنی در ۱۹۴۸ این مقدار بیش از چهار برابر شد ۱

نفت علاوه بر محسنات فنی و کثرت موادی که از آن بدست می آید دارای مزایای اقتصادی دیگری از قبیل سهولت استخراج، حمل و نقل و توزیع است بخصوص پس از اینکه رکفلر سلطان نفت امریکا، شرکت نفت استاندارد ایل آمریکا را توسعه داد و برای حمل نفت از لوله استفاده کرد بسی برارزش این ماده حیاتی افزوده شد...

نفت بجای طلا :

در هنگامیکه کشور ایران مرکز نفوذ دو همسایه قوی شمالی و جنوبی بود و پادشاهان قاجار با سستی و بیحالی زیاده از حد سلطنت میکردند سرمایه داران خارجی در صدد تهیه امتیازاتی در ایران برآمدند، از جمله این اشخاص و . ک . داریسی بود که ثروت هنگفتی از استخراج طلای معادن مونت مورگان استرالیا بدست آورده بود و در هنگامیکه عازم انگلستان بود مصمم شد که ایندفعه بجای طلای استرالیا نفت ایران را استخراج کند ۲

داریسی توانست امتیاز استخراج نفت را در تمام ایران باستانهای پنج ایالت شمالی که تحت نفوذ روسها بود در تاریخ ۲۸ مه ۱۹۰۱ از مظفرالدینشاه بگیرد . مدت امتیاز ۶۰ سال بود ، سابق برین نیز در دوره ناصرالدین شاه امتیاز استخراج کلیه معادن ایران باستانهای فلزات و سنگهای قیمتی به یک نفر خارجی بنام بارون ژولیوس دورو برتر داده شده بود ولی وی بعللی موفق به نگهداری و استفاده از این امتیاز که شامل نفت نیز بوده نشد ۳

اگر وسیله مویتری و مخابرات بود شرکت نفت نبود

داریسی شروع بکار کرد و سرمایه هنگفتی در راه تهیه نفت بمصرف رساند ولی

۱ - فیلیپس نویسنده مقاله سابق الذکر در این مورد اینطور اظهار عقیده می کند ، (میتوان حدس زد که شرکت های استخراج کننده چون عموما نماینده دولتی هستند که دارای ذخیره فراوان زغال سنگ میباشد ابتدا تمام نفت خاور میانه را استخراج کرده سپس دکان فروش زغال سنگ یا نفت حاصله از آن را در خاور میانه باز خواهند کرد ...)

۲ - برای کسب اطلاعات بیشتر مراجعه شود به کتاب چنگ نفت تالیف نارمون هر

۳ - برای کسب اطلاعات بیشتر بتواریخ دوره قاجاریه از صرا الدینشاه بیعد مراجعه شود .

نتیجه بسیار ناچیز و بلکه صفر بود تا اینکه مهندسین به عملیات خود وسعت بیشتری دادند ابتدا میدان عملیات در نزدیکی هفتکل بود، چون عملیات اولیه به نتیجه نرسید همیشه گزارش کارهای خود را بلندن فرستاد. از لندن دستور ترك عملیات و انحلال شرکت رسید این خبر بخرمشهر واصل شد ولی از خرمشهر تا دامنه کوههای اسماری بواسطه عدم وسایل نقلیه موتوری و مخابرات خبر را با قاطر بایستی برسانند.

درین اوقات منطقه عملیات از هفتکل بمسجد سلیمان منتقل شده بود و در ژانویه ۱۹۰۸ عملیات استخراجی را در میدان نفتون شروع کرده بودند و در طی همین چند روزی که بواسطه کندی مسافرت خبردیرتر به مسجد سلیمان رسید کارهای مهندسین نتیجه مثبت داد و در ۲۸ مه ۱۹۰۸ یعنی پس از هفت سال از یکی از چاههای مسجد سلیمان نفت شروع فوران کرد بطوریکه نزدیک بود منطقه عملیات و کارکنان شرکت را در خود غرقه سازد ۱

با پیدا شدن نفت موضوع لوله کشی و ساختمان بندرگاه صادراتی و تصفیه خانه مطرح شد، پس از مدتی دو شرکت اولیه استخراجی (شرکت نفت بختیاری و شرکت استخراجات اولیه) منحل و شرکت جدیدی بنام فعلی تشکیل شد و کارها را از دو شرکت مزبور تحویل گرفت ۱۹۰۹

این شرکت توانست از مسجد سلیمان تا آبادان را در ۱۹۱۱ لوله کشی کند و قریه محقر آبادان (عبادان) را در جزیره آبادان (جزیره الخضر) برای تصفیه خانه و بندر در نظر بگیرد.

بندرگاه آبادان در کنار شط العرب نقطه مناسبی بود و در سال ۱۹۱۲ اولین پالشگاه ساخته شد درین سال محصول نفت ایران فقط ۴۲ هزار تن بود ..

تکاپو برای تهیه و نگهداری نفت در همه جا

در محلیکه کوهستان دارد تمام میشود و جلگه هنوز آغاز نکرده معادن نفت ایران از شمان غربی به جنوب شرقی گسترده شده و چون شیب این نواحی بطرف خوزستان است تابستان در معرض هوای گرم نواحی اطراف خلیج فارس باندازه ای گرم میشود که زندگی و مسافرت در آن امسکان پذیر نیست، منطقه عملیات شرکت در خوزستان که روز بروز بر مقدار محصولش افزوده میشود از لالی در شمال غربی خوزستان آغاز شده تا گچساران در جنوب شرقی این ایالت بطول ۳۲۰ کیلومتر پراکنده شده است.

مامورین شرکت برای اکتشاف جدید از هوای زمستان که ملایم است استفاده میکنند و در گرمای سخت تابستان عملیات اکتشافی تعطیل میشود.

نفت ایران در خلل و فرج سنگهای آهکی جایگزین شده و چون کوههای آهلی مسجد سلیمان بنام کوههای اسماری معروفند باین سنگ ها سنگهای آهکی اسماری میگویند ازینرو مشخص مراکز نفت خیز این نوع اراضی است .
قدم اول برای استخراج نفت نقشه برداری زمین و عکس برداری هوایی است



حوزه امتیاز شرکت نفت در جنوب غربی ایران

از اراضی مزبور ، پس از آن متخصصین ورزیده ژئوفیزیک بمطالعه این زمینها پرداخته و با طرق علمی میفهمند که نفت میتوان رسید یا خیر
یکی ازین طرق طریقه ایجاد زلزله مصنوعی است که با دستگاه مخصوص انفجار بزرگی تولید میکنند اثر انفجار در زمین نفوذ میکند و د فواصل مختلف اشعه مزبور منعکس شده بر میگردد ، آنوقت مهندسین نوع اراضی مختلفی را که باعث برگشت این اشعه صوتی شده معین میسازند و میفهمند که در آن نفت وجود دارد یا خیر ، مرحله دوم عملیات حفاری است و طبق آمارهای که شرکت نفت ایران و انگلیس داده است کندن هرچاه نفت در حدود صد هزار لیتره خرج بر میدارد .

همانطور که در دل صحراها و کوههای سوزان و بسی آب و علف خاور میانه متخصصین فنی بجستجوی نفت مشغولند سیاستمداران ورزیده و علمای بزرگ اقتصاد نیز در نواحی مختلف جهان برای بدست آوردن امتیازات جدید یا نگهداری امتیازات قدیم با جدیت هرچه تمامتر فعالیت میکنند و چه بسا خونهای ناحق که درین راه ریخته شده

و چه بولهای هنگفتی که برای این منظور خرج شده و میشود .
در سال ۱۹۱۴ همیكه جنگ بین الملل اول شروع شد دولت بریتانیا برای اداره جنگ و برد نهائی خود را محتاج به نفت دید و از آن تاریخ بیهه شركت نفت ماهیت داد یعنی این بشگاه اقتصادی بدل يك اداره وسیع سیاسی شد دولت بریتانیاطبق قرارداد طویل المدتی با شركت شريك شد و آنرا تحت حمایت خود گرفت و چنانكه میدانیم در اثر این قرارداد تا بحال میلیونها لیبره بدولت انگلیس و نیروی دریائی آنكشور نفع رسیده است
همیكه جنگ آغاز شد خلیج فارس كه تا بحال از لحاظ موقعیت ممتاز لشكر كشی و نزدیكی به هندوستان مورد نظر رقبای انگلستان (روسیه و آلمان) بود از لحاظ



نقشه برداری در مناطق نفت خیز

اراضی اطرافش كه از مهمترین مراكز نفتی جهانست مورد توجه قرار گرفت گو اینکه ارتش انگلیس برای حمایت از شركت در ایران نیرو پیاده كرد و از راه بین النهرین بچنگ عثمانیها رفت دشمنان نیز بیکار ننشسته و چون لوله های نفت را شریان حیاتی امپراتوری مستعمراتی انگلستان میدانستند بقطع آن مبادرت كردند و در اثر این خراب كاریها عملیات شركت متوقف شد و شركت نیز مبالغی ضرر وارد آمد .

پس از پایان جنگ بین الملل اول بطوری اهمیت و ارزش نفت برای دول بزرگ اروپائی زیاده شد كه سیاست استعماری در اطراف خلیج فارس سیاست نفت تغییر اسم داد و دولت انگلیس توانست برای مدت نامعلومی رقبای خود را درین میدان مبارزه مغلوب و متواری سازد .

مبارزات سیاسی و رقابت های اقتصادی برای تهیه مقدار بیشتری نفت و تصرف و

حفظ نواحی نفت خیز نه تنها پس از جنگ بین الملل نخستین از بین نرفت بلکه تشدید شد و در حول خلیج فارس حلقه ای از دول کوچک و بزرگ تشکیل شد که چراغ حیاتی همه از نفت روشن میشد و حتی بعضی ازین امارات و دول کوچک خواهی نخواهی فدای سیاست نفت شدند.

یکسال پس از پایان جنگ جهانی محصول شرکت نفت بیک ملیون تن رسید یعنی نسبت بهت سال قبل مقدار محصول ۲۵ برابر شد و شرکت در یک محیط آرام و بی دردسری بتوسعه عملیات خود پرداخت بخصوص که در همین اوقات اساس پوسیده دودمان قاجاریه نیز که از دوره محمدشاه تمایل بشمال پیدا کرده بودند از هم گسیخته شد.

ولی پس از اینکه عمال سیاسی امریکا در لباس شرکت های اقتصادی وارد خلیج فارس شدند رقابت شدیدی بین دو دسته دلار و لیره آغاز شد و دنباله این رقابت که تا امروز کشیده شده باندازه ای شدید و دامنه دار است که بعقیده عده ای از مصلحین امور خاور میانه کلیه اتفاقات اقتصادی و سیاسی این کشور ها بنفت بستگی دارد.

برای تایید این مطلب کافیست عقیده یکی از روزنامه نگاران معروف انگلیسی را ر باره نفت خاور میانه که در اواخر سال ۱۹۴۷ در روزنامه (اسرور) چاپ شده عیناً نقل کنیم :

(سیاستی که اینک از طرف دول بزرگ در خاور میانه تعقیب میشود بیش از همیشه تابع منابع نفتی است که در خاور میانه وجود دارد.

از موقعیکه بریتانیای کبیر خود را از هندوستان عقب کشیده است خاور میانه یک قسمت از اهمیت مواصلاتی خود را از دست داده است ولیکن از موقعیکه محقق شده است که این منطقه دارای ذخایر نفتی است که بمراتب مهمتر از منابع نفتی شوروی و حتی امریکا است بطرز جالب توجهی بر اهمیت این منطقه افزوده گردیده است)

این مطالب موقعی در روزنامه های انگلیسی درج شد که پارلمان ایران مشغول بحث و مذاکره درباره نفت شمال بود و بیش از هر موقع دیگر سیاست نفت در خاور میانه و بخصوص در ایران مورد نظر بود.

برای چه ؟

جائیکه شیر و خورشید ایران با صلیب پرچم انگلیس جمع میشود از استخراج و تهیه نفت خام که بگذریم باز در قسمت های دیگر و بعنوان گوناگون فعالیت نفتی مشاهده میشود ...

از جائیکه نفت توسط لوله های قطور بیابانها را طی کرده تلمبه خانه های با عظمت نفت خام را به تصفیه خانه ها میرساند تا جائیکه دستگاههای عظیم تصفیه نفت ساخته می شود ...

هزاران نفر بکار نفت مشغولند و ملیونها دلار خرج تهیه نفت میشود برای کسی که مسافرت بآبادان کرده و به تماشای پالشگاه عظیم نفت ایران ناظر شده باشد خوب آشکار است که چگونه دستگاهی باین عظمت اداره میشود و چه دستهای مختلفی برای اداره آن کار میکند و در ضمن باین نکته واقف است که توقف و رکود این دستگاه چه ضرر غیر قابل جبرانی بصاحبان آن وارد میسازد پس از تصفیه تازه موضوع بسیار مهم دیگری مطرح میشود و آن قضیه حمل و نقل است شهر آبادان و پالشگاه عظیم آن در کنار شط العرب ساخته شده و بوسیله قریب سی اسکله با دنیا مربوط میشود، امر حمل و نقل نفت که بصورت خام یا تصفیه شده صادر میشود بوسیله صدها کشتی نفت کش انجام میگردد، شرکت نفت در سی سال پیش برای امر حمل و نقل نفت شرکت فرعی بنام شرکت نفت کشهای بریتانیا (بریتیش تانکر کمپانی) تاسیس کرد این شرکت پیش از جنگ دارای ۹۳ کشتی بود که در حدود یک میلیون تن ظرفیت داشت یعنی بطور متوسط کشتیهای نفت کش شرکت ده هزار تنی میباشد در حین جنگ ۴۴ کشتی نفت کش شرکت غرق شده از بین رفت ولی پس از اتمام جنگ برنامه ساختن کشتی دوباره آغاز شد و بزودی میزان این کشتی ها به ۱۳۰۰۰۰ تن خواهد رسید و برای آگاه شدن بسرعت کشتی سازی برای حمل و نقل نفت کافیست که انسان مجله نفت (نفت ماگازین چاپ لندن) را مطالعه کند، درین مجله گزارش باب انداختن این کشتی ها را میتوان دید و در ضمن این عمل با تشریفات خاصی توأم است بدین معنی که افتتاح توسط شاهزاده خانم های انگلستان یا خانم سر ویلیام فریزر انجام میگردد و در چند سال پیش کشتی (بریتیش مارشال) را خانم تقی زاده سفیر کبیر آنروزی ایران در لندن و کشتی (بریتیش انترپریز) را خانم نوری اسفندیاری که در آن موقع نماینده دولت ایران در شرکت نفت بود باب انداختند، ولی کشتی های نفت کش که در آبادان دیده میشود منحصر باین کشتی ها نیست بلکه انسان در طول شط العرب پرچم اغلب کشور های دیگر (غیر از انگلیس که در درجه اول است) را میتواند مشاهده کند. نفت کشتیهای کمپانی دارای پرچم بخصوصی هستند که ترکیبی است از شیر و خورشید ایران و رنگ سبز پرچم ایران و صلیب قرمز پرچم انگلیس ...

بدین ترتیب نفت ایران که از چند سال پیش بین امریکا و انگلیس تقسیم میشود بیازارهای جهان ارسال میگردد:

(اروپای غربی، بنادر مدیترانه، خاور میانه، افریقا، هندوستان و اقیانوسیه)
اینقدر فعالیت و کار برای چه مگر نفت چیست؟ که امروز در جهان سیاست و اقتصاد تا این درجه مهم قلمداد شده، در قسمت اول این مقاله در باره امتیازات این ماده مهم حیاتی مطالبی ذکر شد اکنون با تأیید آن قسمت و ذکر این نکته که بر ددر

جنگهای جهانی دو گانه بواسطه قدرت نیروی دریایی و هوایی بوده و قدرت این دو نیرو بسته بوجود مواد نفتی است چند آمار کوچک بدست داده از آن نتیجه میگیریم . بدست آوردن مقدار کل نفت موجود در جهان امری مشکل و بلکه محال است فقط در امریکا که صنعت استخراج نفت بر جا های دیگر مقدم است درین قسمت مطالعات عمیق شده و طبق تخمینهایی که زده شده نفت موجودی این قاره را سه هزار میلیون تن برآورد کرده اند که بمیزان ۴۲۰ میلیون تن مقدار استخراج سالیانه فقط موجودی امریکا تکافوی ۱۲ سال جهان را میکند پر واضح است که این محاسبه چندان دقیق نیست وقاعدتاً بشر خطا کار است و شاید سال بسال که بر میزان فعالیتها افزوده شود معادن و ذخایر نفتی جدیدی کشف شود و در اثر ترقی صنعت استخراج نفت استفاده بیشتری ازین موجودی بعمل آید زیرا که از روی استخراجات فعلی ۲۵ تا ۷۵ درصد ذخایر موجوده استخراج میشود ولی تنها همین عدد ۱۲ کافیت که با تبلیغات دیگری توأم شده باعث هراس مردمی شود که سالهاست با يك سوخت کم خرج و بی ضرر زندگی می کنند و بتکابوی اقتصاديون برای بدست آوردن منافع جدید و سیاسيون برای اتخاذ سیاستهای مخصوص شدت و حرارت دیگری بخشد ...

در آمریکا تا کنون ۳۵۰۰ میدان نفت جدا گانه کشف شده و ۴۲۵۰ میلیون تن نفت ازین چاهها استخراج شده که ۶۳ ر. محصول کل میباشد ۱ در ضمن این نکته را باید تذکر داد که در آمریکا سالیانه ۴۰۰۰ چاه حفرمی شود که از ۸۰ ر. این چاهها حتی يك قطره نفت هم استخراج نمیشود و اگر بدین ترتیب پیش برود روزی میرسد که صددر صد این چاهها بنفت نرسد ، فکر آن روز است که مردم آمریکا را بهراس انداخته ۲

آینده

دو سال پیش یعنی هنگامیکه در مجلس ایران مذاکرات نفت آغاز میشد مستر آ . ج . ت چیسهلم کارمند عالیرتبه شرکت نفت ایران و انگلیس در مجلس ضیافتی که

۱ - آمارهای فوق از رساله ای بنام : نفت در خاورمیانه استخراج شده و رساله مزبور متن سخنرانی دکتر لیز متخصص معروف زمین شناسی نفت است که در چند سال پیش در مجمع آسیای مرکزی در لندن ایراد نموده است .

۲ - آمارهای مزبور از مقاله معروف «نفت خاورمیانه» گرفته شده که در سال گذشته توسط (لی وایت) خبرنگار و نویسنده نفتی آمریکا نوشته شده ، نویسنده مزبور پس از شرح مبسوطی در خصوص اهمیت نفت خاور میانه بوضع زندگی اسفناک مردم این منطقه اشاره کرده و میگوید :

دیگر باین مردم فقیر ستم روا نیست و باید در صدد رفاه ایشان برآمد

در باشگاه نفت لندن دائر شده بود درباره روابط مطبوعات با صنایع نفتی نطفی ایراد کرد.

وی در نطق خود چندین بار اعتراف کرد که مردم آنطور که باید و شاید از صنعت نفت اطلاع ندارند و مطبوعات هم با انتشار اخبار و مطالب مربوط به نفت توجهی نمی کنند امروز در ایران موضوع نفت خیلی عمومی شده است ولی متاسفانه باید اقرار کرد که اغلب جراید بجای انتشار مطالب صحیح درین باره بنقل بعضی اخبار که فقط جنبه تبلیغ دارد اکتفا می کنند و ملت نیز در هر صورت به این اخبار و مطالب علاقمند شده است.

مستر چیسلم در نطق خود گفت که : نفت یکی از مهمترین و ضروری ترین مواد دنیاست مخصوصا برای کشور ما (انگلستان) ...

ولی برای ما ایرانیان موضوع نفت يك امر حیاتی و ملی است و مسلما ارزش آن از هر لحاظ در درجه اول قرار دارد

تقریبا نصف کل ذخایر نفت دنیا در خاورمیانه است ۱

و اگر بنا بود با همان سرعتی که در آمریکا نفت استخراج می کنند از کانهای خاورمیانه هم استخراج می کردند خیلی زودتر از آنچه تصور می کنیم نفت این مناطق خاتمه می یافت زیرا که در آمریکا از ۲۲ میلیارد چلیک ذخیره نفتی روزانه ۵۵ میلیون چلیک نفت استخراج میشود ولی در خاورمیانه فقط روزانه ۱٫۱ میلیون چلیک بهره برداری میشود یعنی دوام نفت خاورمیانه برتریت فوق هشت برابر نفت امریکا است مستر آ. بی. بی. تمسن انگلیسی که از دانشمندان متخصص نفت است چندی پیش بمخبر روزنامه تایمز نیویورک گفت در خاورمیانه چاهی هست که هفت سال روزی هفت هزار و هفت سال هم روزی ۱۴۰۰۰ چلیک نفت داد و بالاخره پیش ازین که خشک شود در آن را مسدود ساختند! این چاه معروفترین چاه نفت دنیا است و امروز هم در مسجد سلیمان میتوان آنرا از نزدیک دید و مشهور است که انگلیس ها در موقع برخورد با آن کلاه خود را بعنوان احترام بر میدارند.

مقصود از ذکر این مطالب این بود که برای ما نفت موضوع حیاتی و تا مدت نا

۱ - خاور میانه ۳۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

امریکا ۲۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

ونزئلا ۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

روسیه ۷۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

بقیه ۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

جمع ۷۷۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

معلومی (طبق حساب فوق تا صد سال ولی چون در ایران ، بطوریکه ذکر شد هنوز اکتشافات کامل نشده نمیتوان این رقم را پذیرفت) خواهیم توانست ازین منبع پربرکت ثروت استفاده کنیم .

خوشبختانه در چند سال اخیر قوانینی وضع شد که دادن امتیاز استخراجی را به خارجی ها محدود و غیر ممکن ساخت ، حال بر ملت ایران است که بتواند امروز یا بعد ها خود زمام امور استخراجی این ثروت پر بها را برعهده بگیرد و از آن نمیکوئیم بوجه احسن بلکه عادلانه و مانند کشور های دیگر استفاده کند ، موضوع اختلافات ما با شرکت نفت و ضرر های مادی ملت ایران بنحو احسن در مطبوعات داخلی منعکس شده ۱ .
مجله گاز و نفت چاپ آمریکا در باره شرکت نفت ایران وانگلیس می نویسد: (شرکت نفت ایران وانگلیس در صنعت نفت بررگترین واحد کامل می باشد و عملیات هیچ شرکتی در دنیا با عملیات این شرکت برابری نمیکند) ولی چرا و بچه دلیل ملت ایران ازین شرکت راضی نیست از بحث ما خارج و خوشبختانه در اغلب مطبوعات ایران در چند سال اخیر مطالبی در این باره درج شده است ...

در پایان مقال بی مناسبت نیست قسمتی از مقاله (ورلدپورت) چاپ آمریکا را که در سال ۱۹۴۷ در باره خاورمیانه نوشته شده نقل کنیم :

خاورمیانه با نفت خود نشان می دهد که در عرض ۲۰ یا ۲۵ سال آینده بکلی اوضاع امروز را فراموش کرده و در آغوش يك تمدن کاملاً جدید خواهد افتاد و بجای خانه های کلی و کوتاه قصور بزرگ و باغها و کشتکار های عظیم تاسیس خواهد گشت چرا چونکه در خاور-میانه همه چیز هست فقط وسایل لازم دارد که از آنها بتوان استفاده کرد ...

با قرائن و امارات مسلمه یقین است که بزودی اکثر کشتی ها و هواپیماهاییکه مسافت نیمکره غربی و شرقی زمین را طی کرده و وسایل جدید نقلیه که اروپا و آسیا و آمریکا را بهم مربوط میکنند از برکت وجود نفت خاورمیانه اشباع خواهند گشت ...)

آیا روزی خواهد رسید که بین ایران مرکزی و مرکز صنعت نفت که امروز بیابان لم یزرعی است نواحی آباد و کشت شده ایجاد شود و اقلاً بهمان اندازه که در دوره ساسانی ازین سرزمین پر برکت استفاده میشد از خوزستان بهره برداری کنند ؟

این آرزوی هر ایرانی پاک و وطنپرستی است ...

۴۹ شهریور ۱۳۲۸

۱ - بخصوص در شماره ۱۶ اطلاعات مامانه مقاله مفصل و پر مغزی درین باره درج شده است که از هر لحاظ قابل مطالعه و ما بذکر عنوان این مقاله اکتفا می کنیم : در ظرف پانزده سال اخیر دولت و ملت ایران پانصد ملیون تومان در مورد حق الامتیاز ضرر دیده ، زبان ایران از حقوق گمرکی سر بملیونها ایره میزید ! اگر حق الامتیاز عادلانه پرداخت میشد ولت ایران از مالیات مستعفی میگشت !

مضمونی است قبل از مطالعه
غلطهای چاپی زیر را اصلاح فرمائید

صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۴	۲۲	حمل	محل	۲۲	۱۲	از نيزو	از نيزو
۵	۲۹	سپیل	مسپیل	۲۲	۲۲	شیطیط	شیطیط
۷	۸	دیوار	دیوارها	۵	۲۵	مشاهده ای	مشاهده
۹	۲۷	دزدیدند	دزدیدندوبا	۷	۲۶	من زیادی است	من زیادی است
۱۰	۱۵	درمانگاه	درمانکا	۱۵	۳۴	آن	آل
۱۰	۲۳	قوا	نوا	۲	۳۵	بهبان	بهبان
۱۰	زیر صفحه	رساله	ورساله	زیر صفحه	۳۶	کشوروی	کشوروی
۱۲	۱۸	مشق	مشتق	»	۳۷	»	»
۱۴	۲۰	مجای	مجرای	۲۰	۳۸	قیسول	قنسول
۱۶	۱۰	روزانه	هریک روزانه	۲	۴۱	تصعیه	تصفیه
۱۶	۱۴	میر	مسر	۳	۴۲	نقشان	نفتشان
۱۸	۲۳	بندر	بند	۲	۴۳	میدن	میدان
۱۸	زیر صفحه	آیه آن	آیه ان	۹	۴۴	ود	ودر
۱۹	»	کو کهارت	لو کهارت	۱۴	۴۶	رباره	در باره
۲۱	۱۹	بن	پل	۱۹	۴۷	آنتر پریر	افتاده
۲۲	۳	سستی	سمنتی	۶	۴۸	۴۲۰	۲۴۰